



نقض حقوق شهروندی در تمام حوزه‌ها

عدالت قضایی؛ رویایی دست نیافتنی در ایران

دانستن حق مردم است

نرگس محمدی در زندان اوین

زندانیان سیاسی با تابعیت دوگانه در زندان‌های ایران

نقض حقوق شهروندی

در تمام حوزه‌ها

در گفت‌وگو با صالح نیکبخت



در حقیقت از حالت استثنا خارج شده و به یک قاعده‌ی نانوشته تبدیل شده است.

• به عنوان مثال در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی چه حقوق اساسی مورد تضییع قرار می‌گیرد؟

در کشور ما نابرابری خاصی بین زن و مرد در خصوص احراز مشاغل وجود دارد. خانم‌ها نمی‌توانند بسیاری از مشاغل را کسب کنند. مصداق آن ممنوعیت رسیدن خانم‌ها به مقام قضاوت است یا انتخاب خانم‌ها به عنوان اعضای شورای نگهبان و همین‌طور عدم استفاده از آن‌ها در بسیاری از مشاغل نظامی و انتظامی. این تبعیض جنسیتی‌ست که حق اجتماعی زنان به وسیله‌ی آن ضایع شده است. بسیاری از شهروندان ایرانی از برخی از حقوق خود محروم‌اند. مثلاً بهاییان که مذهب‌شان در ایران به عنوان دین ممنوعه شناخته شده است، نمی‌توانند شغل دولتی داشته باشند. علاوه بر این اقلیت‌های مذهبی دیگری که به رسمیت شناخته شده‌اند مانند زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان از نظر حقوق شهروندی دارای تفاوت‌های بسیاری هستند و نمی‌توانند بسیاری از مقام‌ها را احراز کنند. از سوی دیگر هم‌وطنان اهل تسنن نیز معترضند که تساوی حقوق مردم و برابری آن‌ها که در قانون اساسی کشور و اصل‌های ۱۹ و ۲۵ و ۲۶ آمده، نقض شده و دارای حقوق برابر نیستند.

حقوق اقتصادی و فرهنگی شامل حقوق اداری، اقتصادی و فرهنگی شهروندان می‌شود که در آن نیز این نارسایی‌ها وجود دارد و حقوق شهروندان کشور ما رعایت نمی‌شود. به عنوان نمونه در ایران سواستفاده‌های مالی و اختلاس با ارقام نجومی انجام شده. در سن و سال من هنوز نمی‌توانم بعضی از این ارقام را بدون شمردن صفرهایش به راحتی

حقوق ما- حقوق شهروندی و وظیفه‌ی دستگاه‌های مختلف حکومت در تامین و اجرای آن، مساله‌ای‌ست که در نظام جمهوری اسلامی نیز مانند سایر حکومت‌ها مطرح است. این حقوق در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای شهروندان مشخص می‌شود مانند حق کار، شفافیت و رقابت، عدالت قضایی، حق معیشت و ...

برای بررسی حقوق شهروندی در ایران و راه‌کارهای قانونی احقاق آن با صالح نیکبخت، وکیل دادگستری ساکن ایران گفت‌وگو کردیم که شرح آن را در ادامه می‌خوانید:

• نگاه شما به رعایت حقوق شهروندی در ایران چگونه است؟ آیا نظام حاکم بر ایران ناقض این حقوق است؟

در کشور ما علی‌رغم این‌که قوانین متعددی برای رعایت حقوق شهروندی وجود دارد - چه قوانینی که مستقیماً به نام حقوق شهروندی‌ست و چه قوانین غیر از آن - اما در بسیاری از موارد رعایت نمی‌شود و حقوق شهروندان تضییع می‌شود. تضییع حقوق شهروندان تنها به وسیله‌ی دستگاه حاکم سیاسی کشور نیست بلکه خود مردم هم غالباً این حقوق را تضییع می‌کنند. مثلاً در همه جای دنیا کسی نمی‌تواند در صف خرید یا صف اداری اختلال ایجاد کند اما در کشور ما چنین است یا در همه جای دنیا مزاحمت صوتی یکی از موضوعاتی‌ست که مورد توجه قرار می‌گیرد و باید به وسیله‌ی مردم رعایت شود؛ چه آن‌ها که کار ساختمانی می‌کنند و چه آن‌ها که ماشین سوار هستند. به همین جهت عملاً عدم رعایت حقوق شهروندی تبدیل به عرف شده به خصوص اینکه دستگاه‌های اداری و قضایی کشور هم اهتمام لازم را به آن ندارند. این عدم رعایت حقوق شهروندی

آوردن حق خود باشد؟

در تاریخ قانون‌گذاری کشورمان پس از انقلاب، دوران درخشانی وجود داشت که به زمان فعالیت مجلس ششم باز می‌گردد. در این مجلس بسیاری از قوانین و مقررات برای رعایت حقوق شهروندی مطرح شد؛ حقوقی مثل قانون منع شکنجه یا افزایش سن حضانت کودکان و قانون تشکیل هیات منصفه. این مجلس توانست پنجره‌ای را به خواسته‌های مردم بگشاید. بسیاری از آن طرح‌ها و لوایحی که از سوی دولت اصلاحات یا نمایندگان مجلس ششم آرایه و با اکثریت آرا تصویب شد، در پیچ و خم قانون با شورای نگهبان روبه‌رو شد و غالب آن‌ها لاینحل باقی ماند؛ مثل قانون منع شکنجه، تساوی حقوق زنان و حق تشکیل هیات منصفه‌ی دادگاه‌های مطبوعات و سیاسی. با این حال و خوشبختانه در یک مورد موفقیت کسب شد که نقش مثبتی هم داشت و می‌تواند مرجع مناسبی باشد. آقای شاهرودی رییس وقت قوه‌ی قضاییه، بخش‌نامه‌ای درباره‌ی حقوق شهروندی تصویب کرد که در آن مثلاً حقوقی را برای ملاقات زندانی‌ها در نظر گرفته شده بود. مجلس ششم از این فرصت به موقع و مطلوب استفاده کرد و آن بخش‌نامه به قانون تبدیل شد.

مثلاً بند ۱۵ این قانون که مورد نظر ماست، می‌گوید: «رییس قوه قضاییه موظف است هیاتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظف‌اند با این هیات همکاری لازم را معمول دارند. آن هیات وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رییس قوه قضاییه گزارش نماید». بر اساس این بند، هیاتی که در این‌جا قرار بوده تشکیل شود در خیلی از موارد می‌توانسته اقدامات مفیدی انجام دهد؛ اما دستگاه‌های انتظامی و دیگری جلوگیری کردند.

مثلاً حدود ۸ سال پیش در دوره‌ی آقای احمدی نژاد، در بسیاری از موارد کارگران کارخانه‌جات را دستگیر می‌کردند و قبل از مشخص شدن محکومیت آن‌ها، حقوق‌شان را قطع می‌کردند. در مواردی نیز اتفاق افتاده بود که فرزند فردی را بازداشت و برای خانواده‌ها مشکل ایجاد می‌کردند. ما به این افراد پیشنهاد کردیم که خصوصاً برای حقوق کارگران

بنویسیم. این مساله ناشی از استفاده‌ی افراد از رانت‌هایی‌ست که به او داده می‌شود. در زمینه‌ی اصناف مختلف هم این اختلاف‌ها و شکاف‌ها وجود دارند و زنان بسیاری به دلایلی مثل بیرون بودن چند تار مو از فعالیت محروم شده‌اند. این اختلاف‌های بین افراد و اشخاص که نتیجه‌ی آن عدم رعایت حقوق شهروندی‌ست از سوی نهادها و دستگاه‌های دولتی عادی شده است.

• به بخش خصوصی چطور نگاه می‌کنید؟ نقش مردم در این بخش در تضییع حقوق شهروندی چطور است؟

بخش خصوصی و مردم عادی نیز همین وضعیت و روش بخش دولتی را در بسیاری از موارد در پیش گرفته‌اند. آن‌ها نیز بین کارگران زن و مرد تبعیض‌های فاحشی می‌گذارند. به عنوان نمونه چند خانم برای شکایت از کارفرما به من مراجعه کرده بودند. کارفرما در پاسخ به درخواست کار آن‌ها گفته بود که برای استخدام باید تعهد دهید که حامله نمی‌شوید. این نمونه از جمله مواردی‌ست که حقوق شهروندی توسط بخش خصوصی و خود افراد نقض می‌شود.

از سوی دیگر در موارد مختلف با توجه به فرهنگ مردمی، زنان ضعیف تلقی می‌شوند و کارهایی

که در تمام دنیا زنان آن‌ها را انجام می‌دهند، از زنان ایران دریغ می‌شود. مثلاً فعالیت زنان در رشته‌های کشاورزی به شکل گسترده‌ای محدود شده است. در حالی‌که بسیاری از مشاغل کشاورزی به وسیله‌ی خانم‌ها راحت‌تر و بهتر انجام می‌شود. مثلاً دفع آفات، گیاه‌پزشکی و ... بنابراین حقوق شهروندان به وسیله‌ی بخش خصوصی و خود مردم نیز نقض می‌شود.

به طور کلی مردم در این مورد دقیقاً از قدرت سیاسی کشور و نهادهای اجرایی و دولتی تبعیت می‌کنند. در جامعه‌ی ما امروز حقوق همسایگان و جلوگیری از مزاحمت‌های صوتی و ... توسط خود افراد جامعه نیز رعایت نمی‌شود.

• بسیاری از این نقض‌های حقوق شهروندی که برشمردید، توسط خود قانون اعمال می‌شود. مثلاً شما به مرخصی زایمان اشاره کردید، در حالی‌که امروز صحبت از افزایش آن در میان هست. فرض کنیم که شهروندی بخواهد نسبت به تضییع یکی از این حقوق اقدام کند. حقی که توسط قانون ضایع شده. او چطور و از چه طریقی می‌تواند پیگیر به دست

محمد صالح نیکبخت:

مساله‌ی حق کار یا مساله‌ی ممنوعیتی که برای بسیاری از مشاغل به وجود می‌آید، ناشی از نگاهی نادرست به خود موضوع است. مثلاً یکی از حقوقی که شاغلان باید داشته باشند، تشکل صنفی یا سندیکایی‌ست. برای این‌که کارگر بتواند حق خود را از کارفرما بگیرد یا مانع زیاده‌روی‌های کارفرما و تضییع حقوق خود شود باید تشکل صنفی را در قالب انجمن یا سندیکا داشته باشد اما متأسفانه این حق اساسی در حال حاضر ضایع شده.

به این کمیسیون‌ها مراجعه کنند. رییس کمیسیون که رییس کل دادگستری استان تهران بود نیز در برخی موارد توجه از خود نشان داد. مواردی نیز در استان خوزستان و درباره‌ی آزار خانواده‌های کارگران وجود داشت که آن‌ها نیز توانستند با مراجعه به این کمیسیون‌ها مورد خود را پیگیری کنند. اما متأسفانه کیفیت رسیدگی و میزان توجهی که این کمیسیون‌ها دارند به منطقه‌ی جغرافیایی نیز مربوط است. مثلاً آن‌طور که کارها در تهران پیش می‌رود، در مناطق دیگر با موانع و کندی‌های بسیاری صورت می‌گیرد. متأسفانه در برخی مناطق نیز اساساً به شکایت‌ها و مسایل مربوط به نقض حقوق شهروندی توجه لازم نمی‌شود.

اگر کارگردان سینما فیلمی به اسم «زمانی برای مستی اسب‌ها» می‌سازد، حالا ما باید بگوییم «مکانی برای رعایت حقوق شهروندی». برای همین می‌گوییم اگر اقداماتی نیز صورت گرفته، ناقص انجام شده و از طرف دیگر شرایط مکانی و گاهی زمانی هم روی رعایت یا عدم رعایت حقوق شهروندی تأثیر گذاشته است.

به عنوان مثال پس از انتخابات سال ۸۸ حقوق شهروندان رعایت نشد. بزرگ‌ترین متخلف هم در این زمینه دادستان وقت تهران بود که در واقع می‌بایست حامی حقوق مردم باشد؛ اما دیدیم که فجایع کهریزک اتفاق افتاد و عملاً ۳ نفر در آن‌جا جان خود را از دست دادند. با این‌که تخلف دادستان وقت تهران محرز بود اما متأسفانه از اتهام معاونت در قتل تبرئه شد.

• در واقع شما معتقدید اصول قانونی که برای رعایت حقوق شهروندان وضع شدند مشکلی ندارند و این مجریان قانون هستند که حقوق شهروندی را نقض می‌کنند؟

قوانینی که حول حقوق شهروندی نوشته شده حتی همین قانونی که در سال ۸۳ به وسیله‌ی مجلس تصویب شد هر چند عملی مثبت بود، اما کافی و کامل نبود. قانون زمانی ارزش پیدا می‌کند که ضمانت اجرایی داشته باشد. به عنوان نمونه می‌گویید اگر یک قاضی تخلفی می‌کند برای مدتی از قضاوت محروم می‌شود. در حالی‌که این قاضی با جان و مال مردم سر و کار دارد اما برای او حداقل مجازات را در نظر می‌گیرند در حالی‌که در چنین مواردی به دلیل اهمیت و تأثیر رفتار قاضی باید بالاترین مجازات برای وی در نظر گرفته شود. در نتیجه خود قوانین نیز دارای نواقصی هستند. اما از نظر من به عنوان فردی مدافع حقوق شهروندی و مخالف شدت عمل، همین دریچه‌ی کوچک هم می‌تواند مثبت باشد مشروط بر این‌که کسی که این دریچه‌ی کوچک را گشوده از راه دیگری هوای ناسالم را به این فضا داخل نکند. در هوای ناسالم، وجود یا عدم وجود قانون فرقی ندارد.

قوانین بسیاری در جهت حقوق شهروندی وجود دارد که مربوط به قانون چهارم توسعه ایران بود. بر اساس ماده‌ی ۱۰۰ این قانون، دولت موظف شده به منظور رعایت حقوق انسانی و ارتقای آن و استقرار زمینه‌های رشد و تکامل انسان و ایجاد امنیت فردی و اجتماعی اقدامات مهمی را انجام دهد. مثلاً در برنامه چهارم، موارد مختلفی وجود دارد: پرورش قانون‌مداری، رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون، تأمین آزادی و صیانت از ارای مردم و تضمین آزادی در حق

انتخاب شدن و انتخاب کردن، هدایت فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به سمت فرآیندهای قانونی، حمایت و تضمین امنیت فعالیت‌های اجتماعی قانونی، تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه‌ی صیانت از حقوق کودکان و زنان، ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی، حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد و همچنین ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه. در حالی‌که چنین موارد قانونی وجود دارند اما هیچ‌کدام رعایت نمی‌شوند. به راحتی یک تشکل برهم زده می‌شود. کنسرت موسیقی ملغی می‌شود یا نماینده‌ی مجلس برای شرکت در یک مراسم و انجام سخنرانی امنیت ندارد. مثل رفتاری که با علی مطهری صورت گرفت. این نشانه‌ایست از اینکه قوانین وجود دارند اما چون ضمانت اجرایی لازم وجود نداشته و از طرف مقامات و مسوولان نیز پیگیری نمی‌شود، این قوانین به اجرا در نمی‌آید.

• بسیاری از وکلا و روزنامه‌نگاران از ادامه‌ی فعالیت در حرفه‌ی خود محروم شده‌اند. این در حالی‌ست که حق کار یکی از حقوق شهروندی‌ست که در هیچ شرایطی نمی‌توان آن را نقض کرد. در چنین مواردی نیز معتقدید که می‌توان به همان دریچه کوچک امیدوار بود؟

مسالهی حق کار یا مسالهی ممنوعیتی که برای بسیاری از مشاغل به وجود می‌آید، ناشی از نگاهی نادر به خود موضوع است. مثلاً یکی از حقوقی که شاغلان باید داشته باشند، تشکل صنفی یا سندیکایی‌ست. برای این‌که کارگر بتواند حق خود را از کارفرما بگیرد یا مانع زیاده‌روی‌های کارفرما و تضییع حقوق خود شود باید تشکل صنفی را در قالب انجمن یا سندیکا داشته باشد اما متأسفانه این حق اساسی در حال حاضر ضایع شده است. امروز کارگران از داشتن سندیکا محرومند یا روزنامه‌نگاران، انجمن صنفی ندارند اما پاسخ حاکمیت این است که «در ایران ۲۵۰۰۰ وکیل در قالب کانون‌های وکلای دادگستری وجود دارد و نزدیک ۵۰ هزار نفر در قالب دولت وکیل هستند. چطور این ۷۵ هزار نفر می‌توانند در همین فضا و زیر همین فشارها کار کنند و این چندین نفر نه؟». ما خودمان چند نفر را به نماد این کار تبدیل کرده‌ایم و حکومت نیز می‌خواهد چنین کند. در حال حاضر تعداد روزنامه‌نگاران زندانی چند برابر وکلای زندانی‌ست. تمام این افراد باید آزاد شوند و جرم‌شان به هیچ‌وجه به نوعی نبوده که با احکام سنگین مواجه شوند. در قانون می‌گویند که آزادی برای مطبوعات، تشکلهای صنفی و ... وجود دارد اما در مقابل بسیاری از وکلا و روزنامه‌نگاران محکوم شده‌اند. در این‌جاست که باید به دنبال وجدان جامعه برای حمایت بود. نه این‌که دو یا سه نفر را به عنوان محرومیت یک صنف مطرح کنیم و کل صنف را در آن خلاصه کنیم. به همین دلیل است که دچار خطای استراتژیک شده‌ایم و به جای آن‌که حق آزادی بیان و جلوگیری از تفتیش عقیده یا داشتن حزب در چارچوب قانون اساسی را مطرح کنیم، چند نفر را مشخص می‌کنیم که مبارزات فردی‌شان نیز نتوانسته نتیجه‌ی مطلوبی بگیرد و نه حتی توانسته‌اند مردم را به خود جذب کنند.

مجید توکلی به زندان برگردانده شد



مجید توکلی، فعال دانشجویی که هفته گذشته از زندان به مرخصی آمده بود، عصر روز سه‌شنبه هفتم اردیبهشت به زندان رجایی‌شهر بازگشت. این اتفاق در حالی افتاد که تنها ۱۳ روز به پایان دوران محکومیت وی باقی مانده بود. مجید توکلی از کنشگران برجسته جنبش دانشجویی است که از ۱۶ آذرماه ۱۳۸۸ در زندان به سر می‌برد. وی دانشجوی رشته مهندسی کشتی‌سازی و عضو پیشین شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر بود. توکلی روز ۱۶ آذر ۸۸ پس از سخنرانی در جمع دانشجویان این دانشگاه در مراسم سالگرد روز دانشجو، در حالی که قصد خروج از در دانشگاه را داشت، همراه با ضرب و شتم شدید مأموران امنیتی برای سومین بار بازداشت شد. وی به هشت سال زندان محکوم شده بود که طی ماه‌های گذشته این محکومیت به ۵ سال و شش ماه زندان کاهش پیدا کرد. وی بیشتر دوران زندان خود را در زندان رجایی‌شهر سپری کرد.

بازداشت فعالان کارگری



بامداد چهارشنبه ۹ اردیبهشت دو تن از فعالان مستقل جامعه کارگری در تهران دستگیر شدند. به گزارش خبرگزاری ایلنا، ابراهیم مددی نایب رییس سندیکای شرکت واحد و داود رضوی عضو هیات مدیره این سندیکا از بازداشت‌شدگان هستند. این دو تن نفر پس از تفتیش و بازرسی منزل‌شان به محل نامعلومی منتقل شدند.

ابراهیم مددی پیش از این به دلیل شرکت در اعتصابات کارگران شرکت واحد در سال ۱۳۸۴ به مدت سه سال زندانی بود. داود رضوی نیز سال گذشته هنگامی که به دعوت پنج سندیکای فرانسوی قصد سفر به پاریس را داشت، ممنوع الخروج و به دادگاه احضار شد.

محمود صالحی و عثمان اسماعیلی کارگر ساختمانی و سخنگوی کمیته دفاع از کارگران زندانی، دو فعال دیگری کارگری هستند که روز هشتم اردیبهشت و قبل از روز جهانی کارگر در شهرستان‌های سقز و مهاباد بازداشت شده بودند.

اجرای حکم حسین نورانی‌نژاد



حسین نورانی‌نژاد از اعضای جبهه مشارکت ایران اسلامی برای اجرای حکم یک ساله خود به زندان اوین رفت. به گزارش سحام نیوز، حسین نورانی‌نژاد روز اول اردیبهشت ۱۳۹۳ در منزل مسکونی خود توسط مأموران بازداشت و پس از آن به مدت دو ماه در سلول‌های بند دو الف نگهداری شد. او درحالی دستگیر شد که فقط دو ماه از بازگشت او به ایران می‌گذشت.

نورانی‌نژاد اسفند ۱۳۹۲ برای دیدار نوزادش به ایران برگشت و دو ماه بعد بازداشت شد؛ در حالی که در زمانی که او در ایران نبود پرونده دیگری برایش تشکیل شده بود.

این فعال سیاسی، بیستم خرداد در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به اتهام تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی محاکمه و به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد؛ ولی در دادگاه تجدید نظر ۶ سال به یک سال کاهش پیدا کرد.

• **اصطلاح و واژه‌ی «حقوق شهروندی»** برای اولین بار با صدور بخش‌نامه‌ی رییس وقت قوه‌ی قضاییه در ۲۰ فروردین سال ۱۳۸۳ در مورد رعایت حقوق شهروندان وارد نظام حقوقی ایران شد



حقوق ما- حقوق شهروندی در تعریف کلی، آمیخته‌ای است از وظایف و مسوولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه‌ی تامین آن حقوق بر عهده‌ی مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم است. به مجموعه این حقوق و مسوولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود.

اصطلاح و واژه‌ی «حقوق شهروندی» برای اولین بار با صدور بخش‌نامه‌ی رییس وقت قوه‌ی قضاییه در ۲۰ فروردین سال ۱۳۸۳ در مورد رعایت حقوق شهروندان وارد نظام حقوقی ایران شد.

این بخش‌نامه‌ی ۱۴ بندی از «حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور» سخن می‌گفت. پس از این بخش‌نامه بود که مجلس شورای اسلامی روز ۱۵ فروردین ۱۳۸۳ بخش‌نامه‌ی مذکور را به عنوان قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» تصویب کرد.

اما واژه‌ی حقوق شهروندی و احترام به آن زمانی بیش از پیش در ادبیات سران دولت جمهوری اسلامی جا باز کرد که حسن روحانی دست به تنظیم و انتشار منشور حقوق شهروندی زد. معاونت حقوقی ریاست جمهوری با انتشار اطلاعیه‌ای در این باره نوشت: «این منشور به مدت یک ماه برای اظهارنظر عموم ملت شریف ایران به ویژه صاحب‌نظران، اندیشمندان،

دانشگاهیان، اساتید معظم حوزه‌های علمیه، نهادهای مدنی و تشکل‌های مردم نهاد، گروه‌های مختلف صنفی اعم از شهری و روستایی و عشایر غیور عرضه شده و پس از جمع‌آوری و اعمال نظرات رسیده به عنوان پیش‌نویس رسمی تقدیم رییس محترم جمهور خواهد شد».

این منشور که به عنوان سندی مهم و تاثیرگذار در زندگی و سرنوشت مردم تلقی می‌شود؛ هم‌چنان با نقایص فراوانی روبه‌رو بوده است. از این رو ۳۰۰ نفر از فعالان زن و کنشگران جامعه مدنی در نامه‌ای سرگشاده خواستار تعویق زمان تصویب منشور حقوق شهروندی شدند.

برای مثال عمادالدین باقی، فعال حقوق بشر و بنیان‌گذار سازمان دفاع از حقوق زندانیان ایران، در مصاحبه‌ای با روزنامه «اعتماد» (شنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۲) گفت: «منشور حقوق شهروندی مزیت خاصی نسبت به قانون اساسی ندارد و در برخی موارد ضعیف‌تر است و از این نظر که موارد و مصادیق بیشتری از حقوق شهروندی را بیان کرده قوی‌تر است.

به این جهت می‌گوییم مزیتی ندارد که مانند قانون اساسی فقط پاره‌ای از حقوق و تکالیف را بیان کرده در حالی که قانون فرعی باید قانون اساسی را تفصیل دهد و اشکال اجرایی آن را روشن کند».

شادی صدر نیز عنوان داشت: «منشور روحانی، در ماده یک، بسیاری از ویژگی‌هایی را که غالباً باعث تبعیض می‌شوند، از جمله عدم تبعیض بر اساس مذهب را جا می‌اندازد و به این ترتیب، خود را به عنوان مثال، با مسأله‌ی تبعیض علیه اهل سنت و محرومیت آن‌ها از کاندیدای ریاست جمهوری

شدن درگیر نمی‌کند».

او در ادامه می‌گوید: «در ماده‌ای که از رفع تبعیض‌های قانونی میان شهروندان حرف می‌زند فوراً قید «ناروا» را اضافه می‌کند تا یادمان نرود اعمال برخی از تبعیض‌ها، از جمله تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان، «روا»ست و طبق معمول، همه شهروندان برابرند، ولی بعضی‌ها برابرترند». اواخر اسفند ماه سال گذشته الهام امین‌زاده، معاون حقوقی رییس‌جمهور اعلام کرد پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی با استفاده از نظرات و پیشنهادهای شهروندان مختلف به رییس‌جمهور تحویل داده شده تا حسن روحانی درباره منشوری که یک‌سال و نیم پیش وعده‌ی تدوین و اجرایی شدن آن را داده بود، تصمیم نهایی را اتخاذ کند.

او در آذر ماه سال گذشته عنوان کرد: «ما قرار نیست قانون اضافه‌ای به قانون کشور اضافه کنیم، ما در حقوق شهروندی مسیر اطلاع از حقوق شهروندی را مشخص کرده‌ایم و در این منشور سعی شده اطلاع مردم از حقوق خودشان گنجانده شود. در یک فرآیند روبه رشد این منشور را تهیه کرده‌ایم، تمام قوانین که در اسناد بالا دستی آمده پیوست این حقوق شهروندی است و زمانی که مردم از حقوق شهروندی خود اطلاع پیدا می‌کنند سعی در استیفای حقوق خود پیدا می‌کنند».

در این مدت برخی از صاحب‌نظران نیز تنها به انتقاد از کم و کاستی‌های این منشور دست نزدند و با اذعان به کمی و کاستی‌های پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی، این طور موافقت خود را اعلام کردند که حضور رییس‌جمهور برای تدوین و اجرای این سند، نشان می‌دهد بالاترین مقام قوه مجریه دغدغه‌ی حقوق ملت را دارد و باید این دغدغه را گرمای داشت، چون در دولت‌های نهم و دهم، نه تنها نشانی از این دغدغه نبود، بلکه مدیران ارشد دولت سابق، تمعدا سعی داشتند با عمل‌کرد غیرقانونی در حوزه‌های مختلف، حقوق شهروندان را به «گرفتن یارانه» محدود کنند.

در روز هفدهم فروردین ماه سال جاری حسن روحانی در دیدار با مسوولان و مدیران قوه‌ی قضاییه تلاش برای تدوین حقوق شهروندی به عنوان یکی از وعده‌های خود به مردم را مورد تأکید قرار داد. او اعلام کرد: «مبنای دولت در این منشور، قانون اساسی و قوانین موضوعه خواهد بود و این منشور می‌تواند مبنای خوبی برای هم‌دلی و هم‌زبانی در کشور باشد. از سوی دیگر مبنای مناسبی در زمینه‌ی حقوق بشر خواهد بود تا در مقابل ادعاهایی که علیه جمهوری اسلامی ایران در دنیا می‌شود، صدای ناحق آن‌ها را نسبت به جمهوری اسلامی کوتاه و فریاد ما را رساتر کند».

با وجود تمام این بحث‌ها؛ تبدیل حقوق شهروندی به یک قانون از جمله وعده‌های انتخاباتی حسن روحانی در زمان تبلیغات ریاست جمهوری بود. او در خرداد سال ۱۳۹۲ بارها به مسأله‌ی حقوق شهروندی اشاره کرد و اعلام کرد که آن را تبدیل به «سند و قانون در مجلس شورای اسلامی» خواهد کرد. اما تا به امروز این منشور به صورت قانون در نیامده است.

اما به عنوان نهادی در ایران که مسوولیت‌اش به صورت تخصصی دفاع از حقوق بشر است می‌توان از ستاد حقوق بشر قوه قضاییه نام برد که فعالیت‌اش از سال ۱۳۸۱، با

تصویب اساسنامه‌ی ستاد حقوق بشر و درج آن در روزنامه‌ی رسمی آغاز شد.

بر اساس آن‌چه که در وبسایت رسمی این ستاد آمده است؛ ستاد حقوق بشر در سال ۱۳۸۴ با ارتقای کمی و کیفی، این اساس‌نامه را کامل کرد. فعالیت‌ها و تحرکات جدید مبتنی بر رفتار و آداب حرفه‌ای و به موازات شروع فعالیت شورای جدیدالتاسیس حقوق بشر در ژنو و به کارگیری مکانیزم‌های جدید در این شورا، از جمله نظارت دوره‌ای جهانی، این ستاد را به مرجعی ملی و در عین حال هماهنگ کننده و سیاست‌گذار در مسائل حقوق بشری در ایران تبدیل کرد.

طرح مسایل حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر، پاسخ‌گویی به مواضع و بیانیه‌های کشورها؛ تبیین نظر اسلام درباره‌ی موضوعات حقوق بشری و ایفای نقش «محوری» در خصوص طرح مسائل حقوق بشری از جمله وظایف این ستاد در عرصه‌ی بین‌المللی عنوان شده است.

طراحی، هدایت و پی‌گیری کلیه‌ی امور مربوط به ستاد حقوق بشر در سطح داخلی، خارجی و بین‌المللی، با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های ذیربط نیز از اهداف تشکیل این ستاد عنوان شده است. ستاد موظف است به نحو مستمر و ماهانه، گزارش فعالیت‌های خود را به دبیر خانه‌ی شورای عالی امنیت ملی ارایه کند.

با نگاهی به اهداف این ستاد و فعالیت‌هایی که تا به امروز انجام داده است می‌توان دریافت که خط مشی این ستاد بیشتر در جهت پیگیری سیاست‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی و مقابله و صدور اعلامیه و واکنش سریع و صریح به نهادها و کشورهایی است که ایران را در مورد وضعیت حقوق بشر به باد انتقاد می‌گیرند.

حوزه‌هایی مانند حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، آزادی بیان و مطبوعات و ... گویا در حیطه‌ی کاری این ستاد قرار ندارد و واکنشی به نقض حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و مطبوعات توقیف شده و شکنجه‌هایی که در زندان‌های ایران صورت می‌گیرد، نشان داده نمی‌شود و یا اگر موضع‌گیری خاصی صورت گیرد تنها در حرف می‌ماند و از پشتوانه‌ی عملی برخوردار نیست.

یکی از مواردی که به واکنش این ستاد انجامید؛ موضوع کشته شدن «ستار بهشتی»، وبلاگ‌نویسی است که در زندان و زیر شکنجه‌ها جان باخت است. این ستاد با صدور بیانیه‌ای ادعا کرد که «به شدت» موضوع کشته شدن ستار بهشتی را بررسی می‌کند و عاملان آن را در صورت قصور مورد پیگرد قرار می‌دهد؛ اما از آن‌جایی که هیچ اقدام نتیجه‌داری در این زمینه صورت نگرفت، به خوبی نشان می‌دهد که این بیانیه نیز تنها در حد حرف باقی ماند.

با این تفاسیر حتی اگر منشور پیشنهادی حسن روحانی در خصوص حقوق شهروندی هم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و به صورت قانون در اختیار نهادهای مختلف دولتی قرار گیرد؛ بعید به نظر می‌رسد تا نهادی ایجاد شود که بتواند تمام موارد حقوق شهروندی مندرج در این منشور را پیاده کند و متخلفان را به دست قانون بسپارد.



مسئولیت‌های دولت در قبال حقوق شهروندی

نرگس توسلیان، حقوق‌دان ساکن انگلیس در گفت‌وگو با «حقوق ما» مسئولیت دولت را «تامین» حقوق شهروندی دانست که بایستی هدف دستگاه‌های اجرایی تحقق آن باشد. اصول و موادی که در منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم آمده است نیز بر همین موضوع دلالت دارد. در این منشور در کنار حق‌های شهروندی که شمرده شده، اصولی آمده که دولت را موظف به تامین امکاناتی می‌کند که تضمین‌کننده‌ی این حقوق است. پابندی دولت به تامین «آزادی بیان»، «امنیت شغلی»، «بهداشت و سلامت»، «شفافیت و رقابت»، «عدالت قضایی» و ... از جمله مواردی است که ذکر شده.

در کنار تعهدات دولت در قبال حقوق شهروندی، طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور پس از رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور و مسئول اجرای قانون اساسی است: «پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه‌ی مجریه را جز در مواردی که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد». به گفته‌ی نرگس توسلیان طبق این اصل «رئیس‌جمهور وظیفه‌ی نظارت بر اجرای صحیح قانون اساسی و همچنین قوانین عادی را نیز برعهده دارد؛ چراکه دیگر قوانین منبعث از قانون اساسی هستند».

حقوق شهروندی برای حفظ حیثیت و رشد اخلاقی شهروندان و همچنین برقراری عدالت، افزایش رفاه، ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز و رفع تبعیض در میان افراد جامعه است. این حقوق در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، مصوب سازمان ملل نیز آمده است. اما آن‌چه در جمهوری اسلامی دیده می‌شود؛ نه تنها منع شکنجه، برخورداری از دادرسی عادلانه یا آزادی بیان نیست؛ بلکه این حقوق توسط نهادها و ارگان‌های حکومتی همواره مورد نقض قرار می‌گیرند.

توقیف هر روزی روزنامه‌ها و مجلات، رفتار ناعادلانه با زندانیان، شرایط زندان‌ها، شکستن حریم شخصی افراد، عدم صدور مجوز برای تظاهرات و اجتماعات، عدم شفافیت در مسایل اقتصادی و سیاسی، نبود امنیت شغلی و عدم وجود برابری‌های مختلف از جمله نژاد، جنسیت، زبان و ... تنها



آیدا فجر

مسئولیت‌های فردی و اجتماعی شهروندان و همچنین مسئولیت‌های دولت‌ها در قبال آن‌ها بررسی کرد. در سال ۸۳ مجلس شورای اسلامی قانونی را با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» تصویب کرد که به نام «بخش‌نامه حقوق شهروندی» در قوه‌ی قضاییه در دستور کار قرار گرفت که نحوه‌ی بازداشت و بازجویی، منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطان و مجریان قضایی شاخصه‌ی آن بود.

دولت یازدهم اما همزمان با گزارش ۱۰۰ روزه‌ی خود، منشوری را تحت عنوان حقوق شهروندی پیشنهاد داد که مورد انتقاد بسیاری از حقوق‌دان‌ها و فعالان حقوق بشری قرار گرفت. به طوری که شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل نیز از تدوین این منشور به عنوان «اختراع دوباره‌ی چرخ» یاد کرد که «غیرضروری» بوده و «ناقص» است. این منشور به عبارتی تکرار «وعده‌های روحانی» خوانده شد و نکته‌ی جدیدی غیر از کمی تغییرات در بخش محیط زیست نداشت. اما مسئولیت‌های دولت در قبال این حقوق چیست؟

سوی دیگر ماده ۱۱ قانون مطبوعات گفته: «رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسؤول به عهده هیات نظارت بر مطبوعات است». طبق ماده ۱۰ قانون مطبوعات اعضای هیات نظارت عبارت‌اند از: «یکی از قضات به انتخاب رییس قوه قضاییه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام‌الاختیار وی. یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس. یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی؛ یکی از مدیران مسؤول مطبوعات به انتخاب آنان. یکی از اساتید حوزه علمیه به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم و یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب آن شورا».

توسلیان با اشاره به ترکیب هیات نظارت مطبوعات گفت: «قوه‌ی مجریه توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و استاد دانشگاهی که توسط وزیر فرهنگ و آموزش عالی انتخاب می‌شود، در این هیات به شکل مستقیم حضور دارد. از سوی دیگر رییس‌جمهور، رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی است و می‌تواند در انتخاب اعضای این شورا نیز نقش موثری داشته باشد». این در حالی‌ست که در تبصره ۵ ماده ۱۰ قانون مطبوعات آمده «وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست هیات نظارت بر مطبوعات را برعهده خواهد داشت و پاسخ‌گوی عملکرد هیات مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذی‌صلاح خواهد بود».

از دیدگاه این حقوق‌دان، اصول و مواد قانونی نشان‌دهنده‌ی «قدرت مانور رییس‌جمهور» در این حوزه است.

با این توصیفات وظیفه‌ی تامین حقوق شهروندی برعهده‌ی قوای حاکم و خصوصاً دولت است. در عین حال یکی از مهم‌ترین وظایف دولت در قبال شهروندان «شفافیت و پاسخ‌گو بودن» است. دولت موظف است درباره‌ی تامین تمامی حقوق شهروندان یا عدم تامین آن‌ها به مردم پاسخ‌گو باشد و گزارش عملکرد خود را که در راستای تامین منافع شهروندان است به آن‌ها اعلام کند.

به عنوان مثال در ماده ۳ اصل ۴۳ منشور حقوق شهروندی پیشنهادی دولت یازدهم نیز بر این اصل در حوزه‌ی اقتصادی تأکید شده است: «دولت موظف است اطلاعات اقتصادی را به صورت شفاف در دسترس همه قرار دهد، کلیه تصمیمات اقتصادی دولت از جمله

قراردادها و به ویژه مزایده‌ها و مناقصات، باید به صورت شفاف و بدون ایجاد هرگونه رانت اطلاعاتی برای فرد یا گروهی خاص با هدف ایجاد رقابت برای همه مردم، انجام شود». مارتین لوترکینگ سال‌ها پیش هدف قانون را «ایجاد عدالت» دانسته بود که «اگر قانون نتواند عدالت برقرار کند، خود به سدی در برابر جریان پیشرفت جامعه برای ایجاد عدالت تبدیل خواهد شد». حال سوال این‌جاست که اگر دولت بر اساس اختیاراتی که دارد، تامین‌کننده‌ی حقوق شهروندی نیست، مقابل شهروندان پاسخ‌گو نیست و شفافیت لازم را ندارد؛ چه نهاد و ارگانی وظیفه‌ی بررسی این نوع تخلف دولت را برعهده دارد؟ اعتراض‌ها به کدام سوی روانه خواهد شد؟

نمونه‌هایی از نقض حقوق شهروندی‌ست که در بیشتر آن‌ها می‌توان به نقش و وظایف دولت نیز پرداخت.

اگرچه در منشور حقوق بشری پیشنهادی دولت یازدهم بر شفافیت و رقابت، آزادی بیان، آزادی اندیشه، حریم شخصی، امنیت شغلی و اقتصادی و حتی برابری جنسیتی نیز تأکید شده اما این اصول پیش از این نیز در قانون اساسی وجود داشت و اجرایی نشد. به گفته‌ی نرگس توسلیان «کوچک‌ترین اقدامی که رییس‌جمهوری می‌تواند در قبال نقض حقوق شهروندی انجام دهد، تذکر قانون اساسی‌ست. او باید بر اساس وظیفه‌ی خود، نقض هر اصلی از قانون اساسی را تذکر دهد».

حقوق‌دان‌های بسیاری به منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم اعتراض کردند به طوری‌که شیرین عبادی در همان زمان به حسن روحانی یادآور شده بود که اگر خود را «پابند» به حقوق شهروندی می‌داند «به وظیفه خود در قانون اساسی که نظارت درست بر اجرای قانون اساسی است عمل کند».

اگرچه برخی معتقدند که اختیارات وسیعی که توسط قانون اساسی برای رهبری وضع شده، باعث محدود شدن اختیارات رییس‌جمهور شده است؛ اما توسلیان معتقد

است که «با وجود این اختیارات فوق‌العاده برای رهبری، نمی‌توان رییس‌جمهور را مبری از مسئولیت دانست. او ابزارهای قانونی متعددی مانند حق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی و پی‌گیری در اختیار دارد». این حقوق‌دان در ادامه به وزارت اطلاعات و نقش این وزارت‌خانه در بازداشت و زندانی شدن روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی و سیاسی اشاره کرد.

بسیاری از آن‌ها توسط وزارت اطلاعات احضار و بازداشت شده‌اند: «به عنوان نمونه وزارت اطلاعات زیر نظر رییس‌جمهور عمل می‌کند. وزیر این وزارت‌خانه نیز توسط شخص رییس‌جمهور تعیین می‌شود. از این جهت می‌توان رییس‌جمهور را نسبت به تخلفات مأموران امنیتی و اطلاعاتی مسؤول دانست». توسلیان ادامه داد: «اگر رییس‌جمهور به دلیل وجود نهادهای موازی با ریاست‌جمهوری یا نفوذ بیش از حد رهبری نتواند از این اختیارات استفاده کند، می‌تواند نقض قانون اساسی را از طریق رسانه‌ها با مردم در میان گذاشته و به اصل شفافیت پابند باشد».

به عنوان نمونه می‌توان به حق آزادی بیان اشاره کرد که در منشور حقوق شهروندی کشورهای مختلف به آن اشاره شده و یکی از رکن‌های اصلی دموکراسی شناخته می‌شود. آزادی دین و عقیده نیز از جمله دیگر مواردی‌ست که باید تضمین‌کننده‌ی آزادی شهروندان در هریک از این امور شود. آزادی بیان اگرچه در حقوق شهروندی آمده اما از جمله اصول قانون اساسی است.

در اصل ۲۴ قانون اساسی به عنوان نمونه به حقوق مطبوعات اشاره شده: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن‌که مخل به مبانی اسلامی یا حقوق عمومی باشند». از



نرگس توسلیان:

کوچک‌ترین اقدامی که رییس‌جمهوری می‌تواند در قبال نقض حقوق شهروندی انجام دهد، تذکر قانون اساسی‌ست. او باید بر اساس وظیفه‌ی خود، نقض هر اصلی از قانون اساسی را تذکر دهد.

عدالت قضایی؛ رویایی دست نیافتنی در ایران



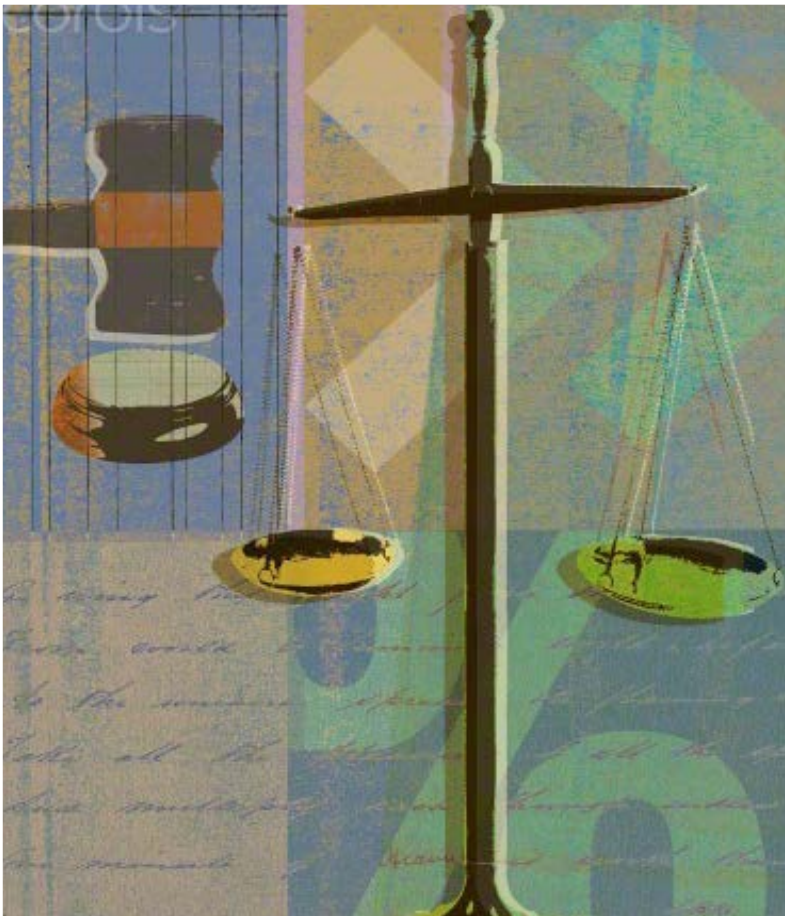
شیدا جهان‌بین

عدالت قضایی باید یکی از بزرگ‌ترین اهداف هر نظام قضایی باشد تا بتوان در سایه‌ی آن عدالت کیفری را به اجرا گذاشت. در همین راستا برای رسیدن به عدالت قضایی، قانون‌گذاران کشورها اقدام به جرم‌انگاری اعمالی کرده‌اند که در روند اجرای عدالت خلل ایجاد می‌کند. عدالت

قضایی به دنبال اجرای عادلانه مجازات و در صدد پی‌گیری عدالت در مرحله‌ی قضاوت و پس از آن است. اصل منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی که یکی از مهم‌ترین قواعد بنیادین حقوق بشری است، در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعدد و حقوق بشری از جمله در ماده‌ی ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۱۵ و ۱۶ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، مواد ۷ و ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مورد تاکید قرار گرفته است.

در تمام اسنادی نام برده شد؛ شکنجه، سوء رفتار، مجازات‌های ظالمانه، رفتارهای غیرانسانی، مجازات‌های غیر انسانی، رفتارهای تحقیر آمیز و مجازات‌های تحقیرآمیز ممنوع اعلام شده است. بر اساس ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد، شکنجه به هر عملی اطلاق می‌شود که عمداً درد یا رنج‌های جانکاه جسمی یا روحی به شخص وارد آورد، به خصوص به قصد این‌که از این شخص یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی گرفته شود یا به اتهام عملی که این شخص یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، تنبیه شود ... منوط بر این‌که چنین دردها و رنج‌هایی به دست مأموران دولت یا هر شخص دیگری که در سمت رسمی مأمور بوده است یا به ترغیب یا رضایت صریح یا ضمنی وی، تحمیل شده باشد.

نکته‌ی مهم در این میان این است که دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون فوق ملحق نشده است؛ اما اصل



منع شکنجه برای اخذ اقرار در اصل سی و هشتم (۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عبارت مطلق «هر گونه شکنجه جسمی و روحی» مورد تاکید قرار گرفته و متخلف از این اصل، مشمول مجازات دانسته شده است.

اما قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی با قید دو فوریت در سال ۱۳۸۳ در مجلس شورای اسلامی تصویب و فقط یک روز پس از تصویب در مجلس، در شورای نگهبان نیز تایید شد. این قانون شامل یک ماده واحده و ۱۵ بند و نیز یک دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ است.

بر اساس این ماده واحده از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضاییه مکلفند در انجام وظایف قانونی، موارد مندرج در این قانون را رعایت و اجرا کنند و متخلفین به مجازات محکوم خواهند شد. در بند ۶ ماده‌ی واحده این قانون آمده است: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب شود». همچنین در بند ۷ این ماده‌ی واحده ذکر شده است که بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.

اما با وجود چنین دستورالعمل‌هایی در قانون؛ شکنجه در زندان‌های ایران هم‌چنان رخ می‌دهد و بازداشت‌شدگان پس از تحمل دوران حبس و آزاد شدن؛ با وجود این‌که حق شکایت از بازجویانی که دست به شکنجه‌ی آن‌ها زدند را دارند؛ یا از شکایت منصرف می‌شوند و یا اگر شکایت کنند؛ به نتیجه‌ای نمی‌رسند.

سورنا هاشمی؛ فعال دانشجویی در زمانی که در ایران به سر می‌برد بارها بازداشت شد. وی به خبرنگار حقوق ما می‌گوید: «به جز دو باری که در زندان و بند عمومی دوران بازداشت را می‌گذراندم؛ بقیه بازداشت‌هایم در سلول انفرادی بود که خودش از مصادیق شکنجه محسوب می‌شود».

هاشمی در خصوص فشارهای روانی وارد شده بر او در زمان بازداشت و دوران انفرادی می‌گوید: «فشارهای روانی و شرایط بازداشت؛ شکنجه را مضاعف می‌کند. در یکی از بازداشت‌ها به شدت کتک خوردم و به گوش و سر دوستی که با من بازداشت شده بود ضربه‌ی شدیدی وارد شد؛ اما برای این‌که آثار شکنجه محو شود و بعداً قابل پیگیری نباشد، از ملاقات با دکتر زندان تا بهبودی زخم‌ها ممانعت کردند».

سورنا در پاسخ به این سوال که پس از تحمل حبس و آزاد شدن به فکر شکایت افتاده بود یا خیر، گفت: «تنها یک بار قصد شکایت داشتم که در نهایت منصرف شدم. جدا از بازداشت طولانی و شکنجه‌های روانی بسیاری که در سه ماه بازداشت انجام شده بود؛ روند دادرسی که روی پرونده انجام شده بود؛ مشخصاً نقض قوانین بود و بازجوها با اعمال فشار بر قوه قضاییه، توانسته بودند اعمال غیر قانونی خود را انجام دهند.

با وکیل هم مشورت کردم که گفتند امکان شکایت داری چون نقض قانون؛ به صورت فاحش رخ داده است؛ اما انتخاب با خودت است چون ممکن است بعد از شکایت؛ سخت‌گیری‌ها نسبت به تو بیشتر شود. به همین دلیل بود که ترجیح دادم ماجرا را تمام شده تلقی کنم». علیرضا فیروزی دیگر فعال دانشجویی؛ همان دوستی است که سورنا هاشمی از او سخن

می‌گوید. فیروزی نیز بارها با اتهام‌های مختلف روانه‌ی زندان شد. فیروزی به خبرنگار حقوق ما می‌گوید: «من در کل چهار بار بازداشت شدم. شکنجه‌ی جسمی را یکی دو بار بیشتر تجربه نکردم و بیشتر فشارها، فشارهای روحی و روانی بود که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را سلول انفرادی دانست. ضرب و شتم بعد از مدتی بی‌تاثیر می‌شود (حداقل در مواردی که من شاهد آن بودم) و بازجو بیشتر سعی دارد با فشار روانی زندانی را از پای در آورد. انفرادی‌های طولانی مدت بدون بازجویی و اجازه‌ی ملاقات و ... تأثیری چند برابر ضرب و شتم دارند».

از او می‌پرسم آیا پس از آزادی به فکر شکایت کردن در مورد ضرب و شتمی که بر او صورت گرفته افتاده است یا خیر. فیروزی می‌گوید: «در زمان سومین بازداشت‌م مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفتم به نحوی که پرده‌ی یکی از گوش‌های‌ام آسیب دید. زمانی که به بند ۲ الف زندان اوین منتقل شدم عنوان شد که در این‌جا کسی با شما برخورد خشن نخواهد کرد و اگر موردی دیدید به سربازجو یا افسر نگهبان گزارش دهید. همان زمان من زخم‌های صورت و آثار ضرب و شتم

را نشان دادم و درخواست پزشک قانونی کردم برای شکایت، اما همین مساله باعث شد تا زمان خوب شدن کامل تمام نشانه‌های ضرب و شتم، حتی اجازه‌ی رفتن به بهداری را هم نداشته باشم».

علیرضا در ادامه می‌گوید: «بعد از آزادی از زندان چون هیچ اثری از ضرب و شتم‌ها باقی نمانده بود، هیچ مدرکی برای ارایه به مراجع قانونی نداشتم که بتوانم بر اساس آن به صورت مستند شکایت کنم».

او در پاسخ به این سوال که آیا در حضور قاضی در دادگاه اشاره‌ای به ضرب و شتم داشته و عکس‌العمل قاضی به گفته‌های او چه بوده است، گفت: «بله در حضور قاضی تمام موارد ضرب و شتم، انفرادی طولانی مدت، جلوگیری از تماس با خانواده و ... را شرح دادم و قاضی تنها به این جمله بسنده کرد که این‌ها که نمکاش بوده!».

ستار بهشتی متولد ۱۳۵۶ کارگر و وبلاگ‌نویس ایرانی بود که در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۹۱ توسط پلیس فتا دستگیر شد. او به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در شبکه اجتماعی و فیس بوک» بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شده بود وی در مدت بازجویی به شدت از سوی پلیس فتا شکنجه شد و در همین جریان درگذشت و در گورستان رباط کریم به خاک سپرده شد.

بر اساس گزارش ثبت شده در روابط عمومی بهشت زهرای تهران، ستار بهشتی در ۱۳ آبان ماه فوت کرده‌است. عموی ستار بهشتی در گفتگو با سایت سحام نیوز گفته است زمانی که از مسوولان، علت مرگ را جویا شدند به آن‌ها گفته شد: «خفه شوید و به شما ربطی ندارد».

پس از کشته شدن ستار بهشتی در زندان بر اثر شکنجه، خانواده‌ی او دست به شکایت زدند و این پرونده پس از کش و قوس‌های فراوان در ۱۶ مرداد ۱۳۹۳ منجر به صدور کیفرخواست با اتهام قتل شبه عمد برای یکی از مأموران پلیس فتا شد. قاتل به سه سال حبس تعزیری، دو سال اقامت اجباری (تبعید) در نقطه معین و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. اولیای دم ستار بهشتی به این موضوع اعتراض کردند و پرونده برای اظهارنظر به دادگاه عمومی ارجاع شد و این مرجع با رد اعتراض اولیای دم، در نهایت نظر دادستانی مبنی بر شبه‌عمد بودن

قتل ستار بهشتی را تایید کرد.

این در حالی است که پس از انتشار خبر مرگ بهشتی، ۴۱ نفر از زندانیان سیاسی در نامه‌ای که در سایت کلمه منتشر شد، اعلام کردند «ستار بهشتی روزهای ۱۰ و ۱۱ آبان ۱۳۹۱ در بند ۳۵۰ اوین بوده و آثار شکنجه در تمام قسمت‌های مختلف بدن‌اش مشهود بوده است».در این نامه ذکر شده که بهشتی در بازداشت‌گاه پلیس ایران مورد ضرب و شتم قرار گرفته، از سقف آویزان شده، دست‌هایش را به صورت قپانی بسته‌اند و با لگد به سر و گردنش ضربه زده‌اند.



یکی از بستگان بهشتی که جنازه‌ی او را دیده بود نیز در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «روی سرش فرورفتگی بزرگی بوده و روی سرش گچ کشیده بودند. صورتش باد کرده بود. به محض این که بند کفن را باز کردند دیدند که از کنار زانوی راستش به کفن خون زده و کفن کاملاً خونی شده‌است. علایمی از کالبد شکافی هم روی بدنش بوده است».

نتیجه‌ی شکایت خانواده‌ی ستار بهشتی به درستی گویای عدم بررسی این گونه شکایت‌ها از زمان بازداشت و شکنجه بوده و به خوبی نشان می‌دهد که عدالت قضایی تنها در گفتار حضور دارد و در عمل هیچ عدالتی در کار نیست.

پیش‌تر نیز بیست و شش نفر از زندانیان سیاسی حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ایران در نامه‌ای خطاب به ریاست «هیات نظارت مرکزی برحسن اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» از برخوردهای غیرقانونی وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و سعید مرتضوی، دادستان پیشین تهران با آن‌ها در مراحل مختلف بازداشت، بازجویی، محاکمه و حبس شکایت کرده و همچنین خواستار رسیدگی به این شکایت شده بودند.

در بخشی از نامه‌ی این بیست و شش زندانی سیاسی با اشاره به بند سوم قانون مذکور که بر ضرورت استفاده از وکیل و کارشناس در مراحل تحقیقاتی مقدماتی دادرها و محاکم تأکید شده، آمده بود که تقریباً تمامی امضا کنندگان این شکایت در دوران بازداشت و بازجویی به طور کامل از حق انتخاب و دسترسی به وکیل محروم بوده‌اند، اجازه هرگونه مشورت حقوقی با وکیل یا کارشناس را نداشته و حتی اجازه دسترسی به کتاب‌های قوانین جاری کشور و حق داشتن کاغذ و قلم برای تدارک دفاع حقوقی از خود را نداشته‌اند. اما این دست شکایات و نامه‌ها هیچ نتیجه‌ی مطلوبی به همراه نداشته است و برخی از زندانیان با توجه به این‌که شکایت‌ها به نتیجه نمی‌رسند و یا این‌که

احتمال اتهام‌های جدیدتر برای پرونده‌شان وجود دارد؛ از شکایت منصرف می‌شوند.

ه.ک یکی از بازداشت شدگان پس از انتخابات ایران در گفت‌وگو با خبرنگار حقوق ما می‌گوید: «پس از حوادث انتخابات و در سال ۱۳۸۹ به اتهام شرکت در اعتراضات کوی دانشگاه و رهبری تظاهرات بازداشت شدم؛ اما اتهام‌های سال‌های قبل (ماجرای کوی در زمستان ۱۳۸۶) که بازداشت شده بودم هم در پرونده‌ی من بود».

این زندانی سیاسی عنوان می‌کند که تحت شکنجه‌ی جسمی قرار نگرفته اما حضور در سلول انفرادی و بی‌خبری از خانواده‌اش برای او بسیار عذاب‌آور بوده است.

او در ادامه می‌گوید: «بعضی روزها عنوان می‌کردند که مادرم در مقابل در زندان اوین ایستاده است و گریه می‌کند و این برایم از هر درد جسمی سهمگین‌تر بود».

از او پرسیدم که آیا بعد از آزادی به فکر شکایت از رفتارهایی که در زندان با او شده است افتاده است یا نه؟ او خنده‌ی تلخی می‌زند و می‌گوید: «شوخی می‌کنی؟ شکایت خدا را پیش پیغمبر ببرم؟ هیچ سازمانی برای کمک به من وجود نداشت».

از دادگاه او پرسیدم و این‌که آیا در حضور قاضی از شکنجه‌های روحی صحبتی کرده است یا خیر که گفت: «در جلسه‌ی دادگاه اولیه قاضی پیرعباسی گفت از دست‌خط متهم معلوم است که اعترافات او تحت شکنجه گرفته نشده است پس بحثی در این مورد نیست. او و امثال او هیچ‌گاه به فشار سلول‌های انفرادی و حرف‌های عذاب آور بازجوها به چشم شکنجه نگاه نمی‌کنند. اما در دادگاه تجدید نظر وقتی که برای قاضی از فشارهای روحی سلول انفرادی و در پی آن اعتراف‌های‌ام گفتم؛ قاضی عنوان کرد که خب شما باید به سلول انفرادی بروید. اگر در انفرادی قرار نگیرید، راستاش را نمی‌گویید!». نمونه‌ی دیگری از شکایت در مورد شکنجه‌ها در زندان که منجر به کشته شدن زندانی سیاسی شد، زهرا (زبیا) کاظمی (۱۹۴۸ – ۲۰۰۳) خبرنگار کانادایی - ایرانی است که در مسافرتی حرفه‌ای به قصد تهیه گزارش در ایران، هنگام ناآرامی‌ها و اعتراضات دانشجویی، به جرم عکس‌برداری حین تجمع برخی از خانواده‌های زندانیان در مقابل زندان اوین، بازداشت و در زندان کشته شد. بازداشت وی تحت نظارت سعید مرتضوی دادستان وقت تهران انجام شد که در موارد متعددی در نقض حقوق بشر نقش داشته‌است. پرونده‌ی وی نیز پس از گذشت سال‌ها در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به سرانجامی نرسید و تنها متهم پرونده نیز که یکی

از کارمندان رده پایین وزارت اطلاعات بود، تبرئه شد.

تمام آنچه ذکر شد، نمونه‌هایی از زندانیان سیاسی هستند که مورد ضرب و شتم و شکنجه‌های روحی و جسمی در زندان‌های مختلف جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند و شکایت آن‌ها هیچ نتیجه‌ای در پی نداشته است؛ چرا که مسوولان جمهوری اسلامی به شکایات زندانیان سیاسی پس از آزاد شدن به هیچ وجه رسیدگی نمی‌کنند و عدالت قضایی در ایران توسط مسوولان حکومت به اجرا در نمی‌آید.



در این میان قانون اساسی و دیگر قوانین زیردستی، در مواردی کمک حال و در موارد دیگر مانع رسیدن به این مساله هستند.

در قانون اساسی جمهوری‌اسلامی، اصل‌های مختلفی را می‌توان یافت که در راستای شفاف شدن روابط میان نهادهای حکومتی و یا روابط دولت - ملت، نقش دارند و بسیاری از تحول‌خواهان، برای رسیدن به خواسته‌های خود به چنین اصل‌هایی استناد می‌کنند.

برای مثال اصل ۶۹ قانون اساسی تأکید دارد که مذاکرات مجلس علنی است و گزارش کامل آن از طریق رادیو (به شکل زنده، از طریق رادیو فرهنگ) و روزنامه رسمی، پخش و منتشر می‌شود. حتی در صورتی که جلسه غیرعلنی در مجلس تشکیل شود و منجر به مصوبه باشد (با رأی سه چهارم مجموع نمایندگان و حضور اعضای شورای نگهبان) گزارش آن باید «پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم» منتشر شود.

این اصل یکی از اصول مهم قانون اساسی درباره شفافیت سیاسی است. در سایه آن اصول دیگری از قانون اساسی - اصل ۷۶ درباره حق مجلس برای تحقیق و تفحص «در تمام امور کشور» و اصل ۷۷ درباره لزوم تصویب «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قرارداده‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی» توسط مجلس - عملاً لزومی‌ست برای انتشار عمومی و در دسترس عموم قرار گرفتن مذاکره‌های مجلس و بحث‌های مربوط به امور کشور.

هم‌زمان می‌توان با توجه به دو اصل ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی - حق نمایندگان برای اظهارنظر در همه امور کشور و آزاد بودن نمایندگان در اظهارنظر و رأی و عدم امکان محاکمه قانونی آن‌ها به این دلیل اشاره کرد که باز هم با توجه به اصل ۶۹ می‌توانند باعث گردش جریان آزاد اطلاع‌رسانی باشند.

با این حال در جریان اجرا، بسیاری از این قوانین یا نقض می‌شوند یا آن که به شکل کامل اجرا نمی‌شوند. برای مثال مجلس تنها در صورتی می‌تواند به تحقیق و تفحص در نهادهای زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی بپردازد که وی اجازه این کار را صادر کند.

این مساله توسط مجلس هشتم به شکل قانونی هم تصویب شد. نمایندگان مجلس هشتم پاییز سال ۸۷ اقدام به اصلاح بخش‌هایی از ماده ۱۹۸ آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس کردند که براساس آن حق مجلس در «تحقیق و تفحص شامل شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و امور پرونده‌های در جریان رسیدگی محاکم قضایی نمی‌شود و در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مقام معظم



دانستن حق مردم است

• **مساله شفافیت در ایران سال‌هاست مورد توجه دموکراسی‌خواهان قرار دارد. آن‌ها تلاش می‌کنند به شیوه‌های مختلف، میزان شفافیت در عرصه‌های مختلف را بیشتر کنند؛ تلاشی که هم‌چنان ادامه دارد. در این میان قانون اساسی و دیگر قوانین زیردستی، در مواردی کمک حال و در موارد دیگر مانع رسیدن به این مساله هستند.**

در نیمه دوم دهه ۷۰ شمسی، برخی روزنامه‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان شعار «دانستن حق مردم است» را بر پیشانی خود حک می‌کردند. شعاری که اشاره به یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندی داشت: «شفافیت». شفاف بودن روابط میان نهادهای قدرت و با مردم، از جمله مهم‌ترین عواملی است که باعث تقویت نظارت شهروندان بر حکومت و دقت بیشتر در ارزیابی آن‌ها از عمل‌کرد حاکمان می‌شود.

این شفافیت البته تنها محدود به روابط و مسایل سیاسی نیست، بلکه در دیگر حوزه‌ها و زمینه‌ها نیز باید اطلاعات لازم در اختیار شهروندان قرار بگیرد. به همین دلیل است در برخی کشورهای دموکراتیک، شهروندان عادی نیز می‌توانند برای در اختیار گرفتن برخی اطلاعات، درخواست رسمی به دولت ارائه دهند.

مساله شفافیت در ایران سال‌هاست مورد توجه دموکراسی‌خواهان قرار دارد. آن‌ها تلاش می‌کنند به شیوه‌های مختلف، میزان شفافیت در عرصه‌های مختلف را بیشتر کنند؛ تلاشی که هم‌چنان ادامه دارد.

رهبری هستند با اذن معظم‌له امکان تحقیق و تفحص توسط مجلس وجود دارد».

این عدم شفافیت درباره نقش حقوقی رهبر جمهوری‌اسلامی در دیگر نهادها نیز وجود دارد. برای مثال مذاکرات مجلس خبرگان رهبری – که وظیفه انتخاب، نظارت و خلع رهبر جمهوری‌اسلامی را به عهده دارد – محرمانه است. هم‌چنین گزارش‌های کمیسیون تحقیق این مجلس – مسوول رسیدگی به عمل کرد رهبر ایران – نه تنها منتشر نمی‌شود، بلکه کم‌تر موردی بوده که به موارد مورد تحقیق اشاره‌ای شود.

علاوه بر آن که کم‌تر خبری درباره چگونگی تصمیم‌گیری آیت‌الله خامنه‌ای برای مسایل مهم مملکتی، سیاست‌گذاری‌ها، نزدیکان، نحوه اداره دفتر و ... منتشر می‌شود، عدم شفافیت درباره رهبر جمهوری‌اسلامی در مسایل اقتصادی نیز وجود دارد. براساس قانون، نهادهای مختلفی نظیر آستان قدس رضوی،بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی،سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان حج و زیارت، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ستاد اجرایی فرمان امام، کمیته امداد امام خمینی و ... زیر نظر رهبر جمهوری‌اسلامی فعالیت می‌کنند. بخش عمده این نهادها از پرداخت مالیات معاف هستند و به همین دلیل میزان گردش اقتصادی آن‌ها نیز روشن نیست.

خبرگزاری رویترز پاییز سال ۹۲ گزارشی سه قسمتی درباره «ستاد اجرایی فرمان حضرت امام» منتشر کرد. بر اساس این گزارش میزان دارایی‌های این ستاد ۹۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و «کنترل این امپراتوری عظیم اقتصادی تنها دست یک نفر است و او آیت‌الله خامنه‌ای است».

نمایندگان مجلس ششم نیز بهار ۸۲ گزارش تحقیق و تفحص خود از سازمان صدا و سیما را – که پس از نظر مساعد آیت‌الله خامنه‌ای انجام شده بود – در صحن علنی قرائت کردند. براساس این گزارش «رییس و معاون اداری و مالی سازمان صدا و سیما با توجه به مندرجات مقدمه و فصول دوازده‌گانه گزارش حاضر و پرونده‌های مختلف، با نادیده گرفتن قانون اساسی، دستور مقام معظم رهبری (درخصوص عدم واریز حداقل ۱۳۰ میلیارد تومان درآمد آگهی و تبلیغات از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ به حساب خزانه)، مفاد قانون محاسبات عمومی کشور، و نیز سایر موارد (به مبلغ حداقل ۳۹۵۸ میلیارد تومان) جمعاً در خصوص مبلغ ۵۲۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان تخلف و عدول از قوانین شده است».

از جمله موارد دیگری که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، معافیت مالی نهادها و بنگاه‌های اقتصادی است که زیر نظر آیت‌الله خامنه‌ای اداره می‌شوند. به گفته مسوولان اقتصادی کشور در دوره‌های مختلف، بیش از نیمی از گردش مالی در اقتصاد ایران، متعلق به این نهادهاست. با این وجود هیچ گزارشی از نحوه فعالیت اقتصادی این نهادها، قرارداده‌ا وضعیت مالی آن‌ها منتشر نمی‌شود.

تاکنون چندین بار مجلس و دولت‌های مختلف، تلاش کرده‌اند که این نهادها را ملزم به ارائه گزارش مالی سالانه و پرداخت مالیات کنند، با این حال این مساله در تمام این سال‌ها همواره با مخالفت آیت‌الله خامنه‌ای مواجه شده و او اجاز این کار را نداده است.

علاوه بر عدم شفافیت درباره خود آیت‌الله خامنه‌ای و نهادهای زیرمجموعه‌اش، او از جمله دلایل سکوت رسانه‌ها و نهادهای مدنی در برخی موارد است. «توقیف فله‌ای» در اردیبهشت ۷۹ پس از سخن‌رانی او اتفاق افتاد. پس از افشای فساد اقتصادی ۳ هزار میلیارد تومانی نیز رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی عمومی گفت که رسانه‌ها «نباید این قضیه را کش دهند» و «به جنجال و هیاهو درباره این ماجرا ادامه دهند».

درباره برخی پرونده‌های مالی دیگر نیز اطلاع‌رسانی صورت نمی‌گیرد و دادگاه آن‌ها نیز به شکل غیرعلنی برگزار می‌شود. هم‌چنان که امکان بررسی پرونده‌های مالی یا مسایل مالی مسوولان برای رسانه‌ها وجود ندارد. این در حالی است که براساس اصل ۱۴۲ قانون اساسی دارایی «رهبر، رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان» باید پیش و پس از رسیدن به مقام، توسط قوه‌قضاییه رسیدگی شود. این اتفاق عموماً بدون انتشار جزییات و به شکل کلی در دوره‌های اخیر – و صرفاً درباره رییس‌جمهور – انجام شده است. دیگر اصل قانون اساسی که می‌توان آن را به عنوان بخشی از روند شفافیت شناخت، اصل ۱۶۸ است. مطابق این اصل، رسیدگی «به تمام جرایم سیاسی و مطبوعاتی» با حضور هیات منصفه و در «دادگاه علنی» صورت می‌گیرد. قانونی که اجرای آن بدان معنی است که رسانه‌ها و نهادهای مدنی، می‌توانند علاوه بر مفاد دادگاه، نقدهای خود را نسبت به کیفرخواست و حکم صادره منتشر کنند. اتفاقی که در حال حاضر امکان رخ دادن آن در بسیاری موارد وجود ندارد.

با این حال قانون اساسی، خود نیز عامل مهمی در عدم ایجاد شفافیت در عرصه‌های مختلف است. برای مثال با تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی؛ امکان تاسیس رادیو و تلویزیون خصوصی در ایران وجود ندارد. اصل ۴۴ اقتصاد ایران را به سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تقسیم می‌کند و صدا و سیما در رده اقتصاد دولتی جای می‌گیرد.

با وجود تفسیر سال‌های بعد از این اصل قانون اساسی و خصوصی شدن بسیاری از بخش‌ها، انحصار تاسیس رادیو و تلویزیون هم‌چنان در اختیار دولت است. تلاش‌ها برای تاسیس تلویزیون ماهواره‌ای و حتی تلویزیون اینترنتی در ایران تاکنون ناکام مانده است. این مساله بدان معناست که به جز دولت، هیچ نهاد خصوصی دیگری قادر نیست اخبار را به اطلاع همگان برساند.

ایران از نظر شفافیت جهانی، جایگاه مناسبی ندارد. تلاش برای شفاف شدن روابط قدرت، به خصوص در عصر اینترنت، شدت بیشتری به خود گرفته، مساله‌ای که در برخی موارد تاثیر خود را نشان داده است. برای مثال می‌توان به عمل جراحی سال گذشته آیت‌الله خامنه‌ای و بستری شدن وی در بیمارستان اشاره کرد. خبری که نخستین بار توسط سایت خود وی اعلام شد و اخبار مربوط به بستری شدن وی در بیمارستان – گرچه کم‌تر شامل جزییات پزشکی بود – توسط همین وب‌سایت منتشر می‌شد. در سال‌های پیشین، اتفاق‌های این‌چنینی هرگز به رسانه‌ها راه نمی‌یافت، شاید بتوان خوش‌بین بود که با گسترش ابزارهای اطلاع‌رسانی، میزان شفافیت در عرصه‌های مختلف ایران بیشتر شود.

زندانی‌های سیاسی با تابعیت دوگانه در زندان‌های ایران

رویا صابری‌نژاد؛ جیسون رضاییان؛ امیر حکمتی و سعید عابدینی از جمله زندانیان سیاسی در ایران هستند که دارای شهروندی از کشورهای دیگر و تابعیت دوگانه هستند، اما در ایران؛ پاسپورت آن‌ها ضبط و زندانی شدند.

جمهوری اسلامی تابعیت دوگانه را به رسمیت نمی‌شناسد و با ایرانیانی که با گذرنامه‌ی ایرانی به کشورشان سفر می‌کنند برخوردی همانند شهروندان جمهوری اسلامی دارد.

تابعیت دوگانه یا مضاعف ممکن است از هنگام تولد وجود داشته باشد که بر اثر اختلاف در سیستم‌های اعطای تابعیت کشورهاست. مثلاً کشوری همچون آمریکا بنا بر اصل خاک هر کس را که در کشورش به دنیا آید تبعه‌ی خود می‌داند و کشور دیگری چون ایران بنا بر اصل خون، هر کس را که پدر ایرانی داشته باشد تابع دولت ایران می‌داند. بدین ترتیب کودکی که از پدری ایرانی در آمریکا متولد شود هم‌زمان تابعیت هر دو کشور را داراست.

دولت جمهوری اسلامی ایران تابعیت دوم شهروندان خود را قبول ندارد و تلاشی هم در جهت انکار این موضوع نمی‌کند. در شرایط معمول، ایرانیان یعنی کسانی که «ایرانی» زاده شده‌اند، برای سفر به ایران، باید درخواست گذرنامه ایرانی بکنند و امکان سفر با گذرنامه غیر ایرانی و یا دریافت ویزا برای این افراد وجود ندارد. این افراد برای صدور گذرنامه‌ی ایرانی، فرمی به نام «اقرار نامه بقا بر تابعیت ایران» پر می‌کنند که بر مبنای آن بقای فرد بر تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود. در واقع، با امضا شدن این فرم، فرد به طور «ضمنی» تابعیت دوم خود را از دست می‌دهد و تنها شهروند دولت ایران محسوب می‌شود.

رویا صابری‌نژاد نوبخت، تبعه ایرانی تبار بریتانیا است که به منظور دیدار با خانواده‌ی خود در مهر ماه سال ۱۳۹۲ به ایران سفر کرده بود. در همین زمان شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، هشت کاربر فیس‌بوک را به اتهاماتی از جمله «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «توهین به مقدسات»، «توهین به سران قوا» و «توهین به اشخاص» را از تیر ماه ۹۲ زیر نظر گرفت و این افراد که با پیگرد قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران روبرو شدند در نهایت بازداشت و به مجموعاً ۱۲۷ سال زندان محکوم شدند. رویا صابری‌نژاد نیز یکی از این هشت نفر زندانی است.

داریوش تقی‌پور، همسر صابری‌نژاد در مصاحبه‌های خود با شبکه‌های خبری مختلف گفته است که همسر چهل و هفت ساله او که به ایران سفر کرده؛ در شیراز بازداشت شد و به زندان اوین در تهران انتقال یافته است و هم اکنون به ۲۰ سال حبس محکوم شده است.

تقی‌پور در مصاحبه با رادیو فردا اعلام کرد: «همسرم در فیس‌بوک با چند نفر آشنا شده بود و برای دیدار با همین دوستان فیس‌بوکی، به شیراز رفته بودند و آن‌جا دستگیر شدند. گفتند به خاطر این‌که خط قرمز را رد کرده و یک سری مسایل نوشته و یک سری مسایل را همخوان (شیر) کرده که این کار نباید انجام می‌داده است. نه خود من، نه خانواده من و نه خانواده رویا (همسرم) هیچ‌کدام‌مان مسایل سیاسی اصلاً نداریم و واقعا هم وابستگی به هیچ گروه یا شخصی هم نداریم».

وزارت امور خارجه بریتانیا که از این موضوع آگاه است و آن را در دست رسیدگی دارد؛ به دلیل بسته بودن سفارتخانه بریتانیا در تهران برای مذاکره با مسوولان ایرانی در مورد شهروند ایرانی تبار خود با مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده است. رویا صابری و همسرش از هفت سال پیش در استاکپورت واقع در حومه‌ی شهر منچستر زندگی می‌کردند و دارای تابعیت دوگانه بریتانیایی و ایرانی هستند.

جیسون رضاییان دیگر زندانی ایرانی تبار و شهروند آمریکا است که هم‌اکنون در زندان به سر می‌برد. رضاییان یک خبرنگار ایرانی – آمریکایی است که به عنوان خبرنگار واشینگتن پست در دفتر تهران از سال ۲۰۱۲ کار می‌کرد. او و



● سعید عابدینی، نوکیش مسیحی ایرانی – آمریکایی تبار در بهمن ۱۳۹۱ به اتهام بر هم زدن امنیت ملی به ۸ سال زندان محکوم شد.



● رویا صابری‌نژاد نوبخت، تبعه ایرانی تبار بریتانیا به همراه هشت کاربر دیگر فیس‌بوک در سال ۱۳۹۲ بازداشت و به ۲۰ سال زندان محکوم شد.



● جیسون رضاییان تبعه ایرانی تبار آمریکا و خبرنگار واشینگتن پست در دفتر تهران از تیرماه ۱۳۹۳ در بازداشت به سر می‌برد.



● امیر میرزاحکمتی، آمریکایی ایرانی تبار به اتهام «جاسوسی برای آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا» ۱۶ آذر ۱۳۹۰ در ایران دستگیر شد.

همسرش یگانه صالحی که وی نیز روزنامه‌نگار است توسط مقامات ایرانی بازداشت شدند و از تاریخ ۳۱ تیرماه سال گذشته در زندان به سر می‌برد. او متولد و بزرگ‌شده آمریکا است و تابعیت دوگانه ایرانی – آمریکایی دارد.

همسر وی به قید کفالت آزاد شده، اما او همچنان در زندان به سر می‌برد. وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، یک هفته پس از بازداشت رضاییان خواستار آزادی او شد. سخنگوی این وزارت‌خانه از سوییس به عنوان حافظ منافع آمریکا در ایران خواسته است تا پیگیری پرونده جیسون رضاییان و همسرش را بر عهده بگیرد. او هم‌اکنون در زندان اوین به سر می‌برد و تا کنون هیچ گونه تفهیم اتهامی به وی صورت نگرفته است. بنا به گفته دیده‌بان حقوق بشر، به وکیل او اجازه دفاع و ارتباط با مولکش داده نشده است. همچنین با اینکه رضاییان توانایی خواندن و نوشتن به زبان فارسی را ندارد، مترجمی هم در اختیار وی قرار داده نشده است.

محمد صالح نیکبخت وکیل دادگستری با اظهار اینکه چندی پیش درخواست وکالت این خبرنگار را ارایه کرده بود، در مصاحبه‌ای اعلام کرد که با درخواست وکالت او برای جیسون رضاییان موافقت نشده است.

پس از نیکبخت؛ مسعود شفیعی وکیل سه کوهنورد آمریکایی (سارا شور، جاش فتال و شان بایر) از سوی خانواده انتخاب شد؛ اما مسولان قضایی وکالت او را نپذیرفتند. مسعود شفیعی پس از تبرئه شدن سه کوهنورد آمریکایی و بازگشت آن‌ها به آمریکا ممنوع الخروج شد و از آن پس اجازه کار ندارد و بارها برای بازجویی به وزارت اطلاعات فرا خوانده شده است.

رئیس کل دادگستری استان تهران روز چهارشنبه هشتم بهمن ماه سال گذشته اعلام کرد نتیجه پرونده جیسون رضاییان «بعد از قطعیت و اتمام دادرسی اعلام می‌شود». او همچنین گفت که این روزنامه‌نگار به زودی محاکمه خواهد شد.

خبرگزاری تسنیم روز ۱۱ فروردین ماه سال جاری به نقل از وکیل مدافع جیسون رضاییان، خبر «عفو» او را توسط آیت‌الله خامنه‌ای تکذیب کرد. وکیل جیسون رضاییان با تکذیب خبر آزادی مولکش گفت که این روزنامه‌نگار در حال حاضر متهم بوده و هنوز محاکمه یا محکوم نشده تا بتواند مشمول قانون عفو محکومان شود.

خبرگرای تسنیم در حالی این خبر را به نقل از وکیل مدافع جیسون رضاییان نوشت که هیچ نامی از این وکیل در خبر نیامده است.

امیر میرزاحکمتی یک آمریکایی ایرانی‌تبار دیگر است که به اتهام «جاسوسی برای آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا» توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۹۰ در ایران دستگیر شد و دستگیری او توسط رسانه‌های ایرانی حامی حکومت، «دومین پیروزی ایران بر آمریکا پس از تسخیر پهباد» نامیده شد.

مسوولان ایرانی روز ۲۷ آذر ۱۳۹۰ اعترافات تلویزیونی این زندانی را در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش کردند. لازم به ذکر است که او در زمان دستگیری سابقه عضویت در تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا را داشته‌است. مسوولان آمریکایی خواستار آزادی «فوری» شهروند خود شدند.

آمریکا همچنین چندین بار از طریق سفارت سوییس در تهران خواستار دسترسی کنسولی به حکمتی شد که ایران هر بار درخواست آمریکا را رد کرد.

محمود علیزاده طباطبایی، وکیل امیر حکمتی، تأیید کرد که دولت آمریکا از طریق دفتر حافظ منافعش در تهران درخواست

مبادله حکمتی را داده است. امیر حکمتی اواخر تابستان سال گذشته در نامه‌ای به جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا نوشته بود که ایران او را با نیت تبادل زندانی نگه داشته است. اما دولت آمریکا بلافاصله قضیه‌ی مبادله زندانیان را تکذیب کرد و خواستار آزادی فوری این زندانی شد.

خانواده این زندانی اعلام کردند که سفر او به ایران برای دیدار با مادر بزرگ‌هایش بوده است. آنها همچنین با ارسال یک رایانامه به ای‌بی‌سی اعلام کرده‌اند که دولت ایران با آن‌ها تماس گرفته و گفته تا درباره دستگیری پسرشان سکوت کنند و قول آزادی احتمالی او را داده‌اند.

این در حالی است شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی، روز دوشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۰ امیر حکمتی را به اتهام «همکاری با دولت متخاصم و عضویت در سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و همچنین تلاش برای متهم‌سازی ایران در تروریسم»، «محارب و مفسد فی‌الارض» شناخت و برای وی حکم اعدام صادر کرد؛ اما این حکم در دیوان عالی تأیید نشد و به ده سال حبس کاهش پیدا کرد.

دن کیلیدی نماینده میشیگان در کنگره آمریکا با اشاره به ۱۲۳۵ روز حبس امیر حکمتی اعلام کرد که «او در دوران زندان، ماه‌ها در حبس انفرادی بوده، به وکالت حقوقی دسترسی نداشته، و تماس بسیار کمی با جهان بیرون و خانواده‌اش در میشیگان داشته است. نامه او به حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران جزییات شرایط وحشتناکی که در زندان بدنام اوین ایران در آن قرار داشته را بیش از پیش فاش می‌کند».

سازمان عفو بین‌الملل نیز روند دادرسی امیر میرزایی حکمتی را که در ایران به اتهام «جاسوسی» بازداشت شده، «ناعادلانه» خواند.

آن هریسون، مدیر موقت بخش خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای گفت: «مانند بسیاری دیگر از بازداشت‌شدگان در ایران، برای امیر حکمتی هم محاکمه عادلانه‌ای برگزار نشده و برای ما زمان این تصمیم و جوانب سیاسی آن جای سوال دارد».

دادگاه تجدید نظر عینا این حکم را تأیید کرده است. این زندانی از تاریخ ۱۲ آبان ماه امسال بدون دلیل مشخصی از زندان اوین به بند زندانیان خطرناک زندان رجایی‌شهر منتقل شد. بنا به گفته همسرش، او بارها توسط زندانیان پر خطر بند با چاقو تهدید به مرگ شده بود.

همسر سعید عابدینی در مصاحبه با کمپین بین‌المللی حقوق بشر گفت: «سعید فقط به دلیل اعتقادات مذهبی‌اش در زندان است. ما امیدواریم که آقای روحانی به قول و وعده‌های که چند ماه پیش دادند وفا کنند و اولین قدم‌شان آزادی سعید و بقیه زندانیانی باشد که فقط به دلیل اعتقاداتشان و مذهب‌شان در زندان‌های ایران هستند».

این در حالی است که باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در بیانیه‌ای که در آستانه‌ی نوروز ۱۳۹۴ منتشر شد، از مقامات تهران خواستار آزادی سه شهروند آمریکایی زندانی در ایران شد. باراک اوباما با نام بردن از سعید عابدینی کشیش مسیحی که بیش از دو سال و نیم با اتهامات مذهبی زندانی است، امیر حکمتی تفنگدار پیشین آمریکا که به اتهام جاسوسی بیش از سه و نیم سال در زندان به سر می‌برد، و همچنین جیسون رضاییان خبرنگار روزنامه واشنگتن پست که حدود ۸ ماه گذشته را در زندان اوین گذرانده است، از مقام‌های ایران خواست هم‌زمان با ایام نوروز، آنها را به آغوش خانواده‌هایشان بازگردانند.



سازمان‌های عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای مشترک نسبت به **دستگیری ده‌ها شهروند عرب در استان خوزستان** ابراز نگرانی کردند. طی ماه گذشته نزدیک ۷۸ نفر از شهروندان عرب در شهر اهواز و اطراف آن بازداشت شده‌اند. این دو سازمان گفته‌اند دستگیری‌ها ممکن است بیش از ۱۰۰ نفر باشد.

در این بیانیه آمده که این دستگیری‌ها بدون حکم قانونی و توسط نیروهای امنیتی صورت گرفته است. سبیه صحرای، مدیر بخش خاورمیانه عفو بین‌الملل، میزان بازداشت‌های فعالان عرب را نگران‌کننده دانست. این بازداشت‌ها در

آستانه‌ی دهمین سالگرد اعتراضات ماه آوریل سال ۲۰۰۵ میلادی در خوزستان اتفاق افتاده است. حاتم عبیات ۳۵ ساله ساکن شهر حمیدیه یکی از بازداشتی‌ها است که در ساعت دو بامداد روز ششم آوریل در منزل شخصی‌اش دستگیر شد. مصطفی حیدری نوجوان ۱۷ ساله ساکن کوی علوی شهر اهواز هم از دیگر بازداشتی‌ها است.

جواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در گفتگویی با چارلی ژز، روزنامه‌نگار و مجری مشهور آمریکایی گفت که «ما در ایران کسی را به خاطر عقیده و نظرش زندانی نمی‌کنیم». وی در این مصاحبه همچنین گفت: «کسانی که مرتکب جرم شوند و قانون کشور را نقض کنند، نمی‌توانند پشت این‌که روزنامه‌نگار یا فعال سیاسی هستند، پنهان شوند. مردم باید به قانون احترام بگذارند. دولت برنامه‌ای برای بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران دارد». ظریف افزود: «ما باید اجازه دهیم که روند قضایی در ایران طی شود و من معتقدم که در پایان بهترین نتیجه به دست خواهد آمد».

این اظهارات با اعتراض گسترده روزنامه‌نگاران و کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد؛ اما ظریف یک روز پس از آن، ضمن دفاع از سخنان خود، از منتقدان خواست «آب به آسیاب جنگ‌طلبان خارجی نریزند».

انجمن پن نیوانگلند آمریکا جایزه خود را به **ستار بهشتی**، وبلاگ‌نویس فقید ایرانی اهدا کرد. جایزه «واسیل استوس» هر ساله به نویسندگانی اهدا می‌شود که به خاطر ابراز عقاید خود مورد آزار و تعقیب قرار می‌گیرند. به گزارش دویچه‌وله؛ ستار بهشتی، وبلاگ‌نویس فقید ایرانی برنده جایزه «واسیل استوس» شد. این جایزه از سوی انجمن پن نیوانگلند در آمریکا به وی اهدا شده است.

در ادامه آمده است: «در روز ۳۰ آوریل ما جایزه واسیل استوس برای آزادی قلم در سال ۲۰۱۵ را به بهشتی اهدا می‌کنیم. اهدای این جایزه ادای احترام به او و دیگر نویسندگان منتقد ایرانی است که شجاعتی به یاد ماندنی در مقابل سانسور، سرکوب و مرگ از خود نشان می‌دهند».

انجمن قلم نیوانگلند پیش از این جوایز خود را تنها به نویسندگان در قید حیات اهدا کرده بود. مراسم اهدای جایزه در دانشگاه ام‌آی‌تی شهر بوستون برگزار شد.





فاطمه کروبی، همسر مهدی کروبی در نامه‌ای به محمود علوی وزیر اطلاعات از عملکرد این وزارت‌خانه نسبت به حصر خانگی مهدی کروبی و میرحسین موسوی دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ به شدت انتقاد کرده و گفت که در دولت حسن روحانی «بی‌مسوولیتی» مجریان حصر بیشتر از قبل شده‌است. وی در بخشی از این نامه نوشته است: «در دوران وزارت وزیر پیشین، رابطی وجود داشت که حداقل می‌توانست در باب مسایل جزئی تصمیم‌گیری کند و یا تصمیم مقامات تصمیم‌سازشان را اعلام کند؛ اما در حال حاضر به‌دلیل انفعال و بی‌مسوولیتی وزارت اطلاعات نه رابط موثری در مکان حصر وجود دارد و نه راهی برای حل و فصل بدیهی‌ترین مسایل. آیا بعد از ۲۱ ماه از زمان جلوس جناب‌عالی بر وزارت اطلاعات می‌توان انتظار اعمال معیار وزیر پیشین اطلاعات را داشت؟ در خلال این چند سال همواره شاهد رفتارهای فراقانونی با محور قدرت بوده و هستیم که در این نامه هدف ندارم به این رفتارها و یا حتی ماهیت غیر قانونی این حصر و حبس ورود کنم؛ بلکه می‌خواهم توجه جناب‌عالی را به روش اجرای این فعل غیر قانونی، در زمان مسوولیت‌تان جلب کنم».



انجمن دفاع از آزادی مطبوعات درباره توقیف **مجله «زنان امروز»** بیانیه داد. در این بیانیه که در خبرگزاری ایسنا منتشر شده، آمده است: «در آستانه روز جهانی آزادی مطبوعات با کمال تاسف خبر توقیف نشریه زنان امروز از سوی هیات محترم نظارت بر مطبوعات به استناد ماده ۶ واصل شد. انجمن دفاع از آزادی مطبوعات بر این باور است که قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل را بر آزادی مطبوعات و انتشار مطالب نهاده است و به هنگام تخلف از مقررات قانونی، مرجع صالح قضایی را شایسته صدور حکم به مجازات می‌داند. لذا انتظار می‌رود نهادهای اداری و نظارتی همچون هیات نظارت بر مطبوعات به طرق دیگر از جمله تذکر، اخطار و گفت‌وگو زمینه اصلاح را فراهم آورند. انجمن دفاع از آزادی مطبوعات امیدوار است با توجه به مخاطبان خاص این نشریه، قرار توقیف مورد تجدید نظر قرار گیرد و راه برای ادامه کار و اطلاع‌رسانی مجله زنان امروز فراهم شود».



مامورین وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران یک روز پیش از تشکیل جلسه شورای مرکزی **جبهه ملی ایران** که قرار است پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت در منزل یکی از اعضا برگزار شود در تماس تلفنی با چند نفر از اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران با تکرار ادعای ارتداد و غیر قانونی بودن، اعلام کردند این تشکل سیاسی حق تشکیل هیچ گونه جلسه ای را ندارد و در صورت تشکیل جلسه کلیه اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران بازداشت میشوند.

دکتر حسین موسویان، رئیس هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران با اعلام این خبر گفت: ما نه تنها اجازه داشتن باشگاه و روزنامه در درون کشور خودمان نداریم بلکه در منازل خودمان هم اجازه جمع شدن نداریم، اگر آقایان مدعی هستند که دوران احمدی نژاد تمام شده است و دم از دوران جدید و قانونگرایی می‌زنند پس این تهدیدها و فشارها و بی قانونی ها نسبت به یک تعداد افرادی که تمام فعالیتشان شفاف و آشکار هست و کاری خارج از منافع ملت ایران انجام نمیدهند چیست ؟



نرگس محمدی در زندان اوین

گرفته در زندان زنجان؛ وی بر روی صندلی که توسط چهار نفر حمل می‌شد به اتاق ملاقات آورده شد بود و توانایی ادای صحیح کلمات را نداشت. این بیماری در زندان زنجان تشدید شد و پس از انتقال وی به بیمارستان؛ بر اساس تشخیص پزشکان؛ حکم عدم تحمل کیفر برای اون صادر و به این صورت از زندان آزاد شد.

بازداشت نائب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر در حالی صورت می‌گیرد که وی در روز یکشنبه در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی محاکمه شده بود، اما ادامه‌ی محاکمه به وسیله‌ی وکلا به تعویق افتاده بود. به گزارش وبسایت کلمه ماموران گفته‌اند که نرگس محمدی را برای اجرای حکم‌اش بازداشت کرده‌اند.

کاترین اشتون در سفر خود به ایران در اسفندماه ۹۲، به مناسبت روز جهانی زن با شماری از فعالان حقوق زنان در ایران از جمله نرگس محمدی و گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی، در ساختمان سفارت اتریش در تهران دیدار کرد. برخی ملاقات کاترین اشتون با وی را دلیل تشکیل پرونده‌ی جدید برای او می‌دانند.

پس از بازداشت این فعال حقوق بشر واکنش‌های مختلفی به بازداشت و انتقال وی به زندان صورت گرفت. شیرین عبادی؛ برنده جایزه‌ی نوبل، با انتشار نامه‌یی سرگشاده از احمد شهید، گزارش گر ویژه‌ی سازمان ملل برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران خواست هر چه در توان دارند برای آزادی نرگس محمدی به‌کار گیرند.

در همین حال برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر، که برنامه مشترک فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) و سازمان جهانی مبارزه با شکنجه (OMCT) است نیز در اطلاعیه‌ای دستگیری نرگس محمدی را محکوم کرد.

کانون شهروندی زنان نیز در نامه‌ی سرگشاده‌یی خطاب به شهیندخت مولاوردی، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به دستگیری نرگس محمدی اعتراض کرد و خواهان آزادی فوری وی شد.

نرگس محمدی که در سال‌های گذشته چندین بار احضار و بازجویی شده بود، روز سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت ماه در منزل خود توسط ماموران امنیتی بازداشت شد. این بازداشت در حالی صورت می‌گیرد که به گفته‌ی تقی رحمانی؛ همسر این فعال مدنی؛ گوهر عشقی؛ مادر ستار بهشتی نیز در خانه‌ی نرگس محمدی حضور داشته است و ماموران ظاهرا حکم جلب نرگس محمدی را در دست داشته‌اند.

نرگس محمدی، سخنگو و نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر، عضو کارزار لغو گام به گام اعدام و کانون شهروندی زنان است. او به تازگی کارزار مبارزه با زندان انفرادی را نیز به راه انداخته است.

به گفته‌ی همسر محمدی، ماموران امنیتی در ساعت هشت و نیم صبح با هجوم به منزل، اقدام به بازداشت وی می‌کنند. ماموران امنیتی که تهدید به شکستن در می‌کنند؛ با نشان دادن حکم جلب از زیر در ورودی خانه؛ این فعال مدنی را مجبور به باز کردن در و او را بازداشت می‌کنند.

نرگس محمدی پیش از این، یک سال پس از اعتراضات به انتخابات در خرداد ماه سال ۱۳۸۹، بازداشت شد و در مهر ماه ۱۳۹۰ به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر و تبلیغ علیه نظام» به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شد. اما پس از چندی این ریی در شعبه‌ی ۵۴ دادگاه تجدیدنظر به شش سال کاهش پیدا کرد.

محمدی در روز سوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ به زندان اوین و سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ منتقل شد اما پس از حدود یک ماه و نیم و در تاریخ ۲۲ خرداد ماه به زندان زنجان منتقل شد. زندان زنجان از لحاظ سطح بهداشت و امکانات در وضعیت نازلی قرار داشت و وی در کنار زندانیان عادی در این زندان به سر می‌برد.

فلج عضلانی بیماری است که وی در اولین دوره‌ی بازداشت و در طی بازجویی‌ها به آن مبتلا شده بود. در یکی از ملاقات‌های صورت

شیرین عبادی:

آقای شهید از تمام امکانات برای آزادی نرگس محمدی استفاده کنید



شیرین عبادی، رئیس کانون مدافعان حقوق بشر و برنده جایزه صلح نوبل در پی بازداشت نرگس محمدی، در نامه‌ای به احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران، از او خواست تا برای آزادی خانم محمدی از تمام امکاناتش استفاده کند. نرگس محمدی صبح روز سه شنبه، ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ در منزل خود بازداشت شد. خانم عبادی در نامه خود به آقای شهید به برخی از رفتارهای غیرقانونی دستگاه قضایی و مأموران امنیتی نسبت به نرگس محمدی اشاره کرده است.

رونوشت نامه خانم عبادی به آقای شهید برای کمیسر عالی حقوق بشر، گروه کار سازمان ملل در مورد بازداشت‌های خود سرانه، گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در مورد استقلال قضات و وکلاء، گزارش‌گر سازمان ملل متحد در وضعیت مدافعان حقوق بشر، گزارش‌گر ویژه آزادی عقیده و بیان و گزارش‌گر ویژه آزادی شکل‌ها و اجتماع‌ها نیز ارسال شده است. به گزارش سایت کانون مدافعان حقوق بشر، متن نامه شیرین عبادی به احمد شهید که در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ ارسال شده، به شرح زیر است:

جناب آقای دکتر احمد شهید؛ گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران خانم نرگس محمدی صبح روز سه شنبه، ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ در منزل خود بازداشت شد.

او نایب رییس و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر است که پیش‌تر به‌علت فعالیت‌های حقوق بشری‌اش به شش سال حبس محکوم شده بود و با تودیع شش‌صد میلیون تومان وثیقه در مرخصی درمانی به‌سر می‌برد و هنوز هم طبق گواهی پزشکان بهبود نیافته است.

متأسفانه مأموران امنیتی در زمان مرخصی خانم محمدی با پرونده‌سازی‌های جدید، او را بارها مورد بازجویی قرار دادند و سرانجام نیز از سوی دادستانی انقلاب سه اتهام به وی تفهیم شد: - اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور از طریق فعالیت در گروه‌های غیرقانونی و ضد امنیتی مانند کانون مدافعان حقوق بشر و ارتباط و همکاری با شیرین عبادی و تنظیم گزارش‌های سیاه‌نمایانه و مغرضانه و غیرمنصفانه با جهت‌گیری‌های سیاسی با هدف تضعیف نظام، همکاری با گروه‌های ضدانقلاب و گروه‌های فمینیستی و برگزاری جلسات محفلی و تجلیل از خانواده‌های محکومان ضدامنیتی.

- فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق مصاحبه با رسانه‌های ضدانقلاب و بیگانه و شرکت در تجمعات غیرقانونی و اغتشاش‌ها مانند تجمع در مقابل مجلس و همچنین حمایت از جریان فتنه و محکومان ضد امنیت.

- عضویت در جمعیت موسوم به لگام و مخالفت با اعدام.

برای رسیدگی به اتهام‌های جدید، پرونده به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب ارسال شد ولی با مراجعات مکرر وکلاء، به آنان تا روز برگزاری محاکمه که در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ بود، اجازه خواندن پرونده داده نشد.

به‌همین دلیل و نیز براساس درخواست خانم محمدی برای رسیدگی علنی به پرونده‌اش، جلسه دادرسی مذکور تجدید شد که هنوز وقت جدید تعیین نشده است. با توجه به مراتب فوق اگر بازداشت نرگس محمدی برای ادامه اجرای حکم قبلی است- صرف‌نظر از اینکه وی هنوز بیمار است و احتیاج به مداوا دارد- اساساً باید او را کتباً احضار می کردند تا او خود را معرفی کند. بنابراین یورش مأموران به منزل خانم محمدی محمل قانونی ندارد.

در صورتی که بازداشت به‌دلیل اتهام‌های جدید باشد، چون در آن پرونده نیز با قید وثیقه یک میلیارد تومانی آزاد است و دستور بازداشتی هم صادر نشده و به‌همین دلیل، روز سیزدهم اردیبهشت ماه آزادانه توانسته است که دادگاه را ترک کند، لذا دستگیری او خلاف قانون است.

با توجه به مراتب فوق و نظر به اینکه نرگس محمدی از چهره‌های سرشناس حقوق بشری در ایران است و کلیه فعالیت‌های نامبرده در راستای حمایت از حقوق بشر و با رعایت قوانین ایران بوده است و ضمناً از نظر جسمی در شرایط مناسبی قرار ندارد و بیمار و محتاج درمان است، بنابراین خواهشمند است با اعتراض به عملکرد غیر قانونی مأموران، از کلیه امکانات خود برای آزادی و درمان خانم محمدی استفاده کنید.

شیرین عبادی

رئیس کانون مدافعان حقوق بشر

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴

رونوشت:

کمیسر عالی حقوق بشر

گروه کار سازمان ملل در مورد بازداشت‌های خود سرانه

گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در مورد استقلال قضات و وکلاء

گزارش‌گر سازمان ملل متحد در وضعیت مدافعان حقوق بشر

گزارش‌گر ویژه آزادی عقیده و بیان

گزارش‌گر ویژه آزادی تشکل‌ها و اجتماع‌ها

گزارش‌گران بدون مرز:

بازداشت نرگس محمدی را محکوم می‌کنیم



گزارش‌گران بدون مرز با صدور اطلاعیه‌ای مطبوعاتی بازداشت نرگس محمدی، روزنامه‌نگار و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر را محکوم کرد.

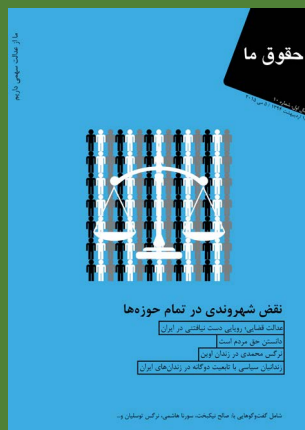
به گزارش تارنمای گزارش‌گران بدون مرز، متن اطلاعیه این سازمان مدافع آزادی بیان به شرح زیر است: بنا بر اطلاعات گردآوری شده از سوی گزارش‌گران بدون مرز، مأموران وزارت اطلاعات پس از بارها تهدید و احضار، به آزادی موقت نرگس محمدی پایان

داده و وی را در ظاهر برای سپری کردن شش سال محکومیت‌اش روانه زندان اوین کردند.

نرگس محمدی، همکار نزدیک شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۰۳، و نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر، پیش از این نیز بارها احضار و بازداشت شده بود. وی از ۲۰ خرداد تا ۱۱ تیرماه ۱۳۸۹ را در زندان بسر برده بود که در مدت بازداشت بر اثر شوک عصبی، به شدت بیمار شد. در شهریور ماه همان سال از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران برای «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور، عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر و فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران»، به ۱۱ سال زندان محکوم شد که این حکم در اسفندماه ۱۳۹۰ به شش سال کاهش یافت. بار دیگر در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱، در زنجان بازداشت و به زندان اوین و سپس در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه، به زندان شهر زنجان انتقال داده شد. نرگس محمدی که به شدت بیمار بود در تاریخ ۱۹ تیرماه به بیمارستان ولی عصر شهر زنجان منتقل شد.



- گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی، کارگر و وبلاگ‌نویس که بر اثر شکنجه در دوران بازداشت کشته شد؛ او زمان بازداشت نرگس محمدی، در منزل او حضور داشت. این تصویر ی از اعتراض و خشم او، هنگام دور شدن ماشین حامل نرگس محمدی از محل است.



دو هفته‌نامه الکترونیک تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

سازمان حقوق بشر ایران

محمود امیری مقدم

سر دبیر

مدیار سمیع‌نژاد

تحریریه

علی مهدی، شیدا جهان‌بین، آیدا قجر

ویراستار

علی مهدی

صفحه‌بندی

زهره‌ا علی‌پور

طراح جلد:

مانا سیحون

تماس با مجله

journal@iranhr.net

«حقوق ما» در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود، نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست